

پس از نقطه نظر آمریکائی است با دو سه کمیانی، چهار کمیانی، ده کمیانی مذاکره شود تفاوتی ندارد و هیچ رأی مجلس شورای ملی هم متزلزل نمیشود نه مخالف میل شما است و نه مخالف میل من و اما اگر آن وحشتی که شما پیدا می کنید از چیز دیگر است اگر مجلس شورای ملی و شما مایل به تهدید نباشید و نترسید و بایستید هیچ چیزی در شما تأثیری نمی کند و حکم شما متاع است

اگر شما حاضر نبودید هیچ دولتی قادر نبود با کمیانی آمریکائی راجع به نفت شمال صحبت کند اگر دولت ایران پس از سالها فلاکت يك سیاست ثالثی را اتخاذ کرده برای وجود این مجلس بودو از تصدق این رأی شما بود که روی این کرسی های و کالت نشستید و نترسیدید و رأی دادید و باز هم رأی خودتان را خواهید داد و هیچکس نمی تواند نه شما را قانع کند و نه تهدید نماید بنابراین آن ثالثی را که شما می فرمائید بنده از او نمی ترسم و هیچکس هم نمی ترسد.

( بعضی از نمایندگان گفتند

مذاکرات کافی است )

رئیس - رأی می گیریم اول بتقاضای فوریت برای اینکه فقط يك شور شود بعد رأی خواهیم گرفت که فی المجلس مذاکره بشود و بکمسیون برود. آقایانی که رأی میدهند يك شور شود قیام فرمائید.

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. حالا رأی می گیریم که فی المجلس مطرح شود یا بماند برای بعد. یعنی خود مجلس باین سکار رسیدگی کند یا برود بکمسیون آقایانی که تصویب می کنند به کمسیون نرود قیام فرمائید.

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. حالا باید رأی گرفت که در این جلسه مذاکره شود یا بماند برای بعد آقایانی که تصویب میکنند در این جلسه رسیده گی شده و رأی داده شود قیام فرمائید.

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس - رد شد. جلسه آتیه روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه مذاکرات امروز در لایحه راجع بحق العبور راه دماوند خواهد بود

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد  
موتن الملك

جلسه صدودو

صورت مشروح مجلس  
یوم شنبه بیستم جوزا ۱۳۰۱  
مطابق سیزدهم شوال ۱۳۴۰  
مجلس نیم ساعت قبل از غروب بریاست

آقای موتن الملك تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم پنجشنبه هیجدهم جوزا آقای امیرناصر قرائت نمودند  
رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست؟

مدرس - عرضی داشتم

رئیس - بفرمائید

مدرس - در جلسه گذشته راجع به اعزام شصت نفر بنده دوماه مسئله عرض کردم یکی آنکه بجای محصل صاحب منصب نوشته شود و عبارت وافی باین مسئله نیست دیگر آنکه صاحب منصب ارشد می باشد که آنها را مراقبت و نظارت بکنند و در صورت مجلس باین مطلب ثانوی اشاره نشده است در صورتی که بعقیده بنده اشاره بآن مسئله اهمیت دارد

رئیس - اصلاح میشود آقای

ملك الشعراء

( اجازه )

ملك الشعراء - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم.

رئیس - صورت مجلس با این

اصلاح تصویب شد دستور امروز دو مطلب است یکی پیشنهاد چهل و دو نفر از آقایان نمایندگان راجع بامتیاز نفت شمال و دیگری لایحه حق العبور خط طهران الی دماوند ماده اول قانون لیله اول قوس مطابق پیشنهادی که آقایان کرده اند تغییر میکند و از قرار اینست که قرائت میشود

آقای منتصر الملك بشرح آتی قرائت قرائت نمودند

مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیاز حق استخراج نفت ایالات مفضلله الاسامی شمال ایران را بکمیانی استاندارد اوپل یا کمیانی معتبر مستقل آمریکائی دیگری تصویب مینماید نقاط مزبور شامل ایالات آذربایجان گیلان استرآباد مازندران و خراسان خواهد بود

رئیس - آقای ملك الشعراء

( اجازه )

ملك الشعراء - دو جلسه گذشته این مسئله بطور فجائی و بی سابقه و باصطلاح علی الغلله یکمرتبه در اطاق برق زدو باطرزی که دیده شد با مضاعف رسید و در مجلس آمد بنده را کاملاً متامل کرد همه آقایان میدانند و آقایانیکه امضاء کرده بودند و هم آقایانی که امضاء نکرده اند که در قضایای مهمه سیاسی و اقتصادی و کلیه مسائلی که مربوط بحیات و مامت مملکت است در کلیه این قضایا وارد قبول این مسائل تمام نمایندگان مسئول خواهند بود چه آن هائیکه رأی مثبت اظهار می دارند چه آن هائیکه رأی منفی میدهند و بعقیده بنده حتی اشخاصی هم که امتناع می نمایند باز در نتیجه نزد وجدان خود مسئول

قضایا هستند زیرا اگر يك نفر نماینده قضایائی را منافی مصالح مملکت بدانند و از رأی دادن امتناع نمایند مسئول است و بالاخره باید مخالفت یا موافقت کنند در هر صورت اگر نتیجه يك رائی بد بشود آن متنتع هم بالاخره مسئولیت دارد و اگر قضایا بغير مملکت خاتمه یافت باز بالاخره در بردن بهره و نصیب و ثواب و اجر البته تمام سهم هستند در این صورت البته آقایان باید تصدیق بفرمایند که چنین قضیه مهمی که صورت ظاهر او فوق العاده - ماده و موافق باطبع و ملائمت و لی حقیقت و باطن او فوق العاده بیخ اندر بیخ و قابل توجه و نگرانی است شایسته این بود که لا اقل با تمام نمایندگان دو مجلس خصوصی مذاکره میشد و قضیه تحت مطالعه در میاید و با عقلای مملکت و اشخاصی که از اوضاع کار مطلع بودند مشورت میشد آن وقت بمجلس میآمد البته تصدیق دارید که اگر يك مطلب فوق العاده لازمی بود و مقیدین باین امر عاجول بودند و حرارت زیاد داشتند ممکن بود این قضیه را صبح میاورند در مجلس و تقاضا می نمودند که نمایندگان از مجلس خارج نشوند و در خارج بادر مجلس خصوصی تا عصر یا تا شب قضیه را بنظر همه رسانند و حل کرد آن وقت بیاورند بمجلس و رأی بدهند تمام بشود ولی متاسفانه این مسئله صورت نگرفت و در خارج مجلس هم بلی اشخاصی غیر مسئول و افرادی که همیشه يك کمپلوهائی در مسائل مهمه سیاسی از قدیم الایام تا امروز داشته و دارند و اشخاصی که میخواهند افکار خودشان را در خارج ببرند و بمجلس تحمیل کنند مذاکره شده بود و سابقه هم داشت و شاید از يك ماه الی دو ماه قبل این مسئله داشت ساخته و آماده میشد ملاقات ها رفت آمده دید و بازدید ها کمپلوها دید نهائی در خارج مجلس می میشد من هم میدیدم ولی میدانستم مقصود چیست و چه نتیجه می خواهند بگیرند ولی وقتی این مسئله در اطاق تنفس بین دو قسمت جلسه برق زد حقیقتاً باعث سوء ظن بنده شد و در خارج مجلس هم به بعضی از آقایان رفقا که امضاء کرده اند عرض کردم خوب بود یک قدری در این مسئله تعمق میفرمودند و بفرما کیون ها صحبت میکردید و نظریه تمام را جلب می کردید آنوقت این پیشنهاد را میکردید گفتند خیر این یک مسئله است که فجائی بمجلس آمده است و باید مذاکره شود و در خود مجلس تصمیمی اتخاذ شود ولی حالا که این طور است و احتمال میدهیم بین اکثریت یا سایر نمایندگان نگرانی پیدا شود خوب است در مجلس يك نفر برخیزد و خواهش بکند که این قضیه بماند برای جلسه بعد این مذاکرات در خارج بین رفقا شد بعد که آمدیم در مجلس بنده اجازه خواستم

معلوم شد که قبل از بنده هم بکنند آقایان اجازه خواسته است این بود تقاضا کردیم این مسئله بماند برای جلسه دیگر تا در اطرافش خوب صحبت بشود و اگر عده معدودی یا محدودی از این قضیه اطلاع دارند مسئله را بخته اند آخردیگران هم باید بدانند و با اطلاع و بصیرتی کامل در یک چنین قضیه مهمی صرف نظر با اعمال نظر بکنند این بود که اکثریت هم رأی دادند این قضیه بماند برای جلسه دیگر ولی در همان جلسه هم از طرف شاهزاده نصرت - الدوله يك حرارتها و بیانات شدیدی در اطراف این قضیه شد که در همان آن بیشتر از بیشتر بنده را ظنین نمود و بنده قبلاً مسئله را ساده تر از موقعیکه ایشان آن اظهارات را می نمودند میدانستند ولی بعد حرارت تندى شاهزاده نصرت الدوله بنده را ظنین تر و نگران تر از سابق نمود که فوق العاده متعجب شدم که شاهزاده نصرت الدوله که همیشه قضایا خون سرد و بردبار و ملائمت بودند چه شد که در این مسئله در مقابل تقاضای نفرو کیل آنقدر حرارت نشان میدهند این بود بنده هم عرض کردم در مسائل با بالاخره در این قبیل مسائل مهم حیاتی نباید عجله و تندى کرد.

به تندى بيك دست بردن به تیغ بدنان کز و پشت دست دریغ بایستی تامل کرد و قضایا را با خون سردی حل کرده بالاخره مسئله بطوریکه آقایان مسبوق هستند تمام شد و گذشت و افتاد بجلسه امروز و چنانچه خبر شد قیافه مجلس وقیافه بیانات آقایان را در مسئله ظنین کرد چون انسان حق دارد در بعضی موارد ظنین بشود اگر سأس آقایان این حس را نکرده اند بنده در آن حال این حس سوء ظن را پیدا کردم و یکی دو شبانه روزیکه مشغول مذاکره بودم در خارج بکرشته اقداماتی شد و بالاخره روزنامه جات مقالات تندى آمیخته به تهدید بر علیه مخالفین نوشته شد در صورتیکه هر کدام مخالفتی نه بود و فقط گفتیم از آن جلسه بماند باین جلسه معذالك از جمله حرارتی که یکمده از آقایان داشتند مقالاتی به عنوان مخالفین در روزنامهها و فوق العادهها نوشته و از مخالفین تعجب کردند و بعد هم بعبادت مستمره جاریه و همشگی آقایان مطلع هستند لویایعی بر ضد مخالفین دستور داده شد و نویساننده شد و اجرت داده شد و یکی بعد دیگری طبع و منتشر شد در صورتیکه عرض کردم ما مخالفتی نکردیم بودیم و تقاضای تامل کرده بودیم و آقایان همه تماماً در این تامل همراه بودند غیر شاهزاده نصرت الدوله و یکی دو نفر موافق ایشان که مخالفت کردند و متاسفانه لویایعی که دستور داده شد نویساننده پیشنهاد کنندگان موافقین

این مسئله را که گفتند بماند برای جلسه دیگر مخالف جلوه دادند و فحش دادند و تهمت زدند و با آنکه قضیه فوق العاده ساده و دور از سیاست است صورت قضیه را مربوط به سیاست و چه ترتیبات دیگری کردند که فعلا نمی خواهم داخل آنها شوم البته این رسم همیشگی ما بوده است از ابتدای مشروطیت تا کنون هر فکری که داشته ایم ره عقیده را که دارا بودیم حاضر نه بوده ایم آن عقیده را بابرهان و دلیل اقامه کنیم و بشکل منطقی و مطابق جریانات اجتماعی ملل متدینه بمعرض انتقاد افکار بگذاریم و با سیر طبیعی خود قضایا را حل کنیم خیر آشنائی را با این اصول نداشته ایم و همیشه از ابتدا و بادی امر اصول زندگانی را ما بر روی دماغ گزری و هوام فریبی بوده و - قضایائی را که میخواستیم حل کنیم با تهتید و فشار بوده و باتیر و ریز کردن افکار با تهمتها و بهتانهای عجیب و غریب میخواستیم این مقاصد خود را انجام بدهیم و گاهی هم موفق میشدیم و بالاخره این رسم شوم و پلید و زشت بوسیله اشخاصی که خودشان را قائم ولید و میدانستند در این مملکت اجرا شده و بالاخره ما خیال میکردیم در همین دوره چهارم این تظاهرات از طرف کسانی که بیشتر مسئول حل قضایا هستند منسوخ شده و از بین خواهد رفت ولی متأسفانه این حس پلید و زشت هنوز از دماغهای بعضی بیرون نرفته و چون این فشارها و تهتیدها و لایحهها و هوها و تهمتها و هنگامهها منتشر شده بنده شرمند را بیشتر ظنین کرد که تصور بلکه یقین کردم که اگر قضیه ساده بود و حقیقه مسئله سطحی و نظری بود دیگر لازم نبود در مقابل آن پیشنهاد ساده که بنده تقدیم کردم این قدر حرارت بخرج داده شود و اینقدر مقاله نویسانند شود و شاید سوء ظن بنده تا این حد هم رفت که این قدر پول چراغ خرج کردند شاید عرض کردم سوء ظن بکنفر ظنین اگر هزار مرتبه باو فحش و تهمت و حمله بشود بالاخره حق پیدا می کند که سوء ظنش زیاد شود و این سوء ظن باعث شد که در اطراف این قضیه بنده و کلیه نمایندگان باهم - مذاکره نکنم و بطور طبیعی مذاکره در فرا کسیونها و جلسات مختلفه کردیم و بالاخره مسئله بجائی رسید و اطلاعات در حدودی خاتمه پیدا کرد و بالاخره بنده را نگران بمخالفت سوق داد و باینکه آقایان تصور می کردند وقتی لایحه منتشر کند و مخالفین این پیشنهاد را مخالفین ملت و دشمن مملکت که مربوط بکجا و کجا بکنند و نسبت رشوه و ارتشا بدهند و ملک الشعرا را تهتید کنند در صورتیکه خودشان ملک الشعرا را میشناختند که از تهتید و حمله و فشار فرار میکنند ملک الشعرا همان ملک الشعرا است که در عهد تزاری و عهدی که هشت هزار سر نیزه فزاق روسی در خراسان بود

همین ملک الشعرا آنجا تاسیس جمعیت سیاسی کرد همین ملک الشعرا آنجا نوبهار سیاسی ایجاد کرد همین ملک الشعرا ائیکه حالامی خواهید با چهارتا ورق پاره اورا بترساند و از میدان بدرش ببرند در مقابل هشت هزار نفر فزاق روسی و مقابل ستمهای تزاری با آن همه سر نیزه مقاومت کرد و آنقدر حرف زد تبلیغ کرد و در بیداری قوم کوشش کرد که هنوز در خطه خراسان يك فکرات تجاع و يك متشبت بغارچه پیدا نشده نمایندگان خراسان حاضرند از حالات روحیه اهالی خراسان تحقیق کنند و به بنیاد یاد خراسان دو تحت مساعی این ملک الشعراء و رفقای چهاره ترش و خود آقایانیکه اینجاست تشریف دارند چه قدر مساعی شده و بالاخره چه قدر مقاومت شد تا آخر ملک الشعرا را تبعید کرده اند و به طهران آوردند و در طهران میخواستند حمسش کند و روزنامه اش را توقیف کردند دو باره بخراسان تبعیدش کردند و ده دفعه از اینجا به آنجا تبعیدش کردند معهناز تهتید از میدان در نرفت و در مقابل فشارها و زورها ایستادگی و مقاومت کرد در زمان کمیته مجازات خواستند همین ملک الشعراء را بکشند زیرا موافق میل دیکتاتور ها نبود همه اینها ملک الشعراء با شهادت خود آقایانیکه اورا تهتید می کنند مقاومت کرد و آن کسیکه برخلاف مظالم و جنایات آنها حرف زد و گفت که مملکت باید امن باشد حکومت باید مقتدر باشد مرکز نقل مملکت باید معین باشد مرکز نقل و مجلس از برای مملکت لازم است همین ملک الشعراء بود شاید ملک الشعراء بواسطه دوستی با بعضی اشخاص بدوقابل حمله باشد اما خود ملک الشعراء خود را خائف و جبان و ترسو و رشوه گیر و دزد خائن نمیدانند خود را طرفدار ایران و ایرانی میدانند و امتحانات کافی و وافی داده است و ثابت کرده است که طماع و دزد نیست و در مقابل هیچ تهتیدی نمی ترسد و نمی گریزد و عقیده خودش را در میان شعله آتش خواهد گفت فقط بدبختی ملک الشعرا این است که در سیاست دخالت کرده و با سیاسیون آمیزش کرده و آشنا شده است که نخواسته اند او را درست بشناسند و بالاخره در این زمینه زیاد طول بیان نمی کنم و از آقایان معذرت میخواهم و میل دارم که بنده که یک نفر ساکت و مطیع پارلمانی هستم و این جای اظهارات را میکنم حق بدهند این اظهارات را بکنم زیرا نسبت بهریک از آزادی طلبان که می خواهد حرف حق بزند و از روی عقیده وجدان يك می خواهد قدم بر دارد دل او را شکستن و باو صدمه زدن و جان او را آزردن سزاوار نیست چون دل من شکسته و آزرده بود حق خواستم این عرایض را بکنم ولی بیش از این در این باب چیزی عرض نمی کنم و در آتیه از اشخاص که خواستند فکر مرا تروریزه بکنند و باسه چهار تا ورق پاره مزدور مرتشی همراه شدند و بن تهت زدند انشاء الله انتقام خود را

پشت این کرسی خطابه و در صفحات روز - نامه خودم خواهم گرفت و فعلا مسکوت عنه می گذارم و می آیم در سر اصل مطلب در فرا کسیون يك عده از آقایان صلحاً با بنده موافقت کردند و گفتند که نباید احساسات را در سیاست دخالت و در مسائل سیاسی و اقتصادی و بالاخره قضایائیکه دامنه دارد قضایائیکه عواقب خطیری دارد در این قضایا نبایستی عجله کرد باید تأمل کرد و عجله نکرد و وزیر بار دیکتاتوری نرفت و نبایستی در این قبیل قضایا مبرسه چهار نفر که نشسته اند و بین خودشان مسئله را حل کرده اند و در وقت بحران وقت را غنیمت شمرده و فکر و عقیده و سلیقه خودشان را می خواهند پیش ببرند رفتار کرد وزیر بار این مظلوم رفت باید در این خصوص بیشتر دقت گردد و بنده هم دارای همین عقیده بودم گفته شد که مجلس شورای ملی پنج ماده بنام مقدمه امتیاز تصویب کرده است اگر چه شاهزاده نصرت الدوله در جلسه قبل فرمودند ما آن روز نفهمیدیم و رأی دادیم بنده این را قبول ندارم زیرا بنده نفهمیدیم و رأی دادیم هم سابقه داشتیم هم از روی فهم و ادراک رأی دادیم و سایر آقایان هم حتماً فهمیده اند و رأی داده اند زیرا نظر بسابقه هائی که آن کار داشت يك کمیانی معتبر آمریکائی که میخواست سرمایه خود را در شمال ایران بریزد و این قسمت مسلم مملکت ما را آباد کند آن کمیانی استاندرا و ایل معرفی شده بود و بالاخره مامی بایستی به عجله و فوریت رأی بدهیم و رأی هم دادیم و ضرب لاجل هم قرار ندادیم که اگر تا فلان مدت این کار را نکردی امتیاز تو ساقط است چرا برای اینکه ترسیدیم مخالفین آزادی ما و مملکت ما آن دولت هائیکه صد سال است ایران را از ترقی باز داشته اند و آن دولت هائیکه امتیاز راه آهن از ما می گرفتند و احتکار می کردند که ساخته نشود و آتیهائی که از هر ترقی و ارتقائی برای این مملکت بوسائل ممکنه ممانعت می کردند و بالاخره آتیهائیکه میخواستند دولت ما مثل يك یوشالی که ما بین دو لوله لامپا گذاشته می شود که بهم نخورده باشد و بقول یکی از آقایان که ترجمه می کرد حال بیزر را داشته باشد آن اشخاص مراقب میدانستند اگر این قدم برداشته

شد بضرر آنها خواهد بود برای دولت يك معظوراتی و مواعی می تراشیدند و يك قضایائی باقوای منظم خود تهیه میکردند که ما نتوانیم این امتیاز را بدهیم ولی آنروز بنده این نگرانی و احتیاط را نداشتم زیرا عقیده بنده این است که اگر مجلس شورای ملی با وجدان يك و عزم ثابت بخواهد حق خود را فهمیده و دانسته بدیگری انتقال بدهد یا امتیازی بدهد با حقیقتی را بگوید یا قانونی وضع کند نباید خائف باشد و بترسد و بالاخره بدین باشد و خیال کند که اگر در پنج دقیقه ما این کار را انجام ندهیم صورت نخواهد گرفت و بنده اگر چه برخلاف این عقیده بودم.

ولی چون دیدم این خیالات برای مجلس تولید شده بود و گفتند از این نقطه نظرها باید زود رأی بدهیم مبادا اشکالی تولید بکنند. بنابراین این ماهم آمدیم و نشستم و با اطلاع کامل يك قانونی در تحت پنج ماده نوشتم و ضرب لاجل هم قرار ندادیم زیرا که ترسیدیم مبادا تا آن مدت ضرب لاجل بازی هائی از طرف همان مخالفین و بیگانگان ماجراجو پیدا شود که مادر آن مدت نتوانیم مذاکرات خودمان را بجائی برسانیم و پس از تمام شد مدت با فشار هائی وارد یاورند یا کمیانی های دیگری را اغوا کنند برانگیزانند و بالاخره یا بمجلس تلقیناتی بکنند و رأی داده نشود زیرا بنده و همه می دانستیم که مخالف استقلال ایران و مخالف آبادی ایران است و تا مملکت آباد نشود استقلال نخواهد داشت

استقلال فرع آبادی و ثروت داشتن راه آهن است بعضی از نمایندگان - حالام استقلال داریم استقلال منافات بانداستن راه آهن ندارد. هندوستان هم راه آهن دارد و استقلال ندارد.

**ملک الشعراء** - شما چرا با بنده طرف می شوید ( و مرا هومی کنید! اگر حرفی دارید اجازه بخواهید بعد بگوئید چرا هومی کنید مگر نشنیدید که گفتیم ملک الشعراء از هودر نمی رود و نمی ترسد...

**رئیس** - ( خطاب بنمایندگان ) بگذارید مطالب خود شان را اظهار کنند.

**ملک الشعراء** - بلی عرض کردم بنده از هو نمی ترسم و از میدان در نمی - روم گوش بدهید این عرض بنده در روزنامه ها نوشته خواهد شد و آنوقت اگر خلاف بوده محاکمه خواهند کرد

یعنی ملت ایران از نقطه نظر حقیقت مرا محاکمه خواهند نمود

پس چرا مرا هومی کنید آنها می - دانستند استقلال فرع آبادی است و می - دانستند که اگر مملکت آباد شود استقلال حقیقی واقعی پیدا می کند و دیگر تسلیم اجنبی نخواهد شد

آنها می دانستند که يك ملت با حسن را جز با فقر و عسرت و فلاکت و بی اسبابی و با فساد اخلاق که از بی بولی ناشی می - شود نمیشود از بین برد و صید کرد این صیادان



ماهر دانستند ملت وسط آسپار باید با فشار فقر و پریشانی صید کرد اول باید خرابی فاسدشان کرد بعد خودشان بدام خواهند آمد

اینکه فرمودید (هندوستان) هندوستان هم راه نداشت آبادی نداشت هندوستان هم خراب بود آبادی حقیقی موافق اصول جدید نداشت

آنروز هم هندوستان بی علم و بی هنر و فاسد الاخلاق بود

مدرسه و مکتب نداشت بدتر از ایران حالا بود در هندوستان بواسطه بی اسبابی و صعب العبوری قریب سیصد و چهارصد راجه و چندین مملکت بلوک الطوائفی بود که نتوانستند آنرا صید کنند اگر هندوستان آن روز مثل امروز راه آهن میداشت و مدرسه میداشت سرمایه میداشت شاگردان امریکا برگشته میداشت البته شکار مردم دنیا نمیدید از این اشخاص و این مخالفین و با عقیده بعضی این دلسوز های مملکت میخواستند بگذارند مملکت ما آباد شود و امتیاز نفت شمال بهیچ کس داده نشود دیروز هم میخواستند امروز هم میخواستند و فردا هم خواهند خواست این بود که ما دیده و دانسته این امتیاز را دادیم برای اینکه مصادف به این محظورات نشویم در پنج ماده این امتیاز و اعطای تصویب نامه را نوشتیم و با کمال میل و رغبت آنرا تصدیق کردیم و بدینا گفتیم که ما بفلان کمیانی امتیاز دادیم و در تمام جراید عالم نوشته شد که مجلس شورای ملی ایران امتیاز کشف معادن نفت شمال ایران را بکمیانی استاندارداوایل داد در ماده پنج این امتیاز و این قانون یا این تصویب نامه هم نوشته شد که کمیانی مزبور نمی تواند بهیچ وجه با هیچ کمیانی خارجی یا سرمایه دار دیگری این امتیاز را انتقال بدهد مگر با مراجعه بمجلس شورای ملی و بدون مراجعه بمجلس حق ندارد و کمیانی دیگری را شرکت بدهد امروز که شش ماه و نیم است که این مسئله در جریان است و پیدا است که کار بکجا رسیده و غالباً آقایان میدانند و متأسفانه بواسطه ضعف مملکت و بافتضای دیگر این قضیه هنوز مطابق میل واحساسات و آرزو و آمال میلیون خاتمه پیدا نکرده است ولی حالا آقایان بیکه اظهار نگرانی از پیشنهاد فعلی است میگویند این پیشنهاد را باین شکل یعنی قبل از اینکه ما بهانه از کمیانی استاندارداوایل بدست بیاوریم تصویب کنیم و روح و مواد آن تصویب نامه را تغییر بدهیم آن وقت بی اعتباری مجلس شورای ملی ایران را بدینا اعلام کرده ایم زیرا ما دیدیم دولتهای ما کاملاً بی اعتبار بودند و در ایام قنوت و مصیبت اعمال خود را نشان داده یعنی مقاله نامه ها نوشتند و

امتیازات دادند و حرف ها زدند و بالاخره در زمان خودشان هم نتوانستند بجای آورند چرا برای اینکه برخلاف آمال ملی بود و اعتبارات دولتهای ما در نهان قنوت از بین رفت و در همه جا گفته شد که دولتهای ایران بواسطه بحران ها و تغییرات بی دردی و بواسطه عدم نقطه اتکاء ثابت و بواسطه اینکه مجلس شورای ملی دیر دیر تشکیل میشود اعتبار ندارند و مشکل است بشود با دولت ایران معامله کرد ولی مجلس شورای ملی معتبر بود؟

**یکی از نمایندگان** - حالا هم هست؟

**ملک الشعراء** - مجلس شورای ملی تنها مرکز نقل مملکت بود و تنها مرکزی بود که تمام اعتبارات سیاسی و اجتماعی و تمام حیثیات ما و مملکت ما منوط و مربوط باین مجلس بوده است و بدیهی است این مجلس مقدس و محترم و این مجلس مقدس که اگر کوچک اندیشی خود ما نباشد بهیچ وجه جائز نیست طرف حمله و اعتراض واقع شود این مجلس بیچاره امروز بهترین مراکز قدرت ملی است و تنها مرکز است که هر چه ما داریم و باید داشته باشیم و تمام آرزوهای ما باید در اطراف این مجلس دور بزند و حل بشود و باید در این مجلس یک اعتبار و رونق و حیثیتی باشد که بالاخره آن اعتبار و رونق و حیثیت منتج بنتیجه که نگرانی آن اشخاص راهم که با این موافق نیستند رفع کند که در خارج بگویند که مجلس ایران یک امتیازی را در یک تاریخی تصویب کرد و یکمادی مرتب و تصویب نمود و یک کمیانی داد ولی قبل از اینکه از طرف مقابل تعرضی بآن مواد بشود آن را نقض کرد و یک جمله الحاقیه با ملحق نمود و آن الحاق آن قانون را بکلی تغییر شکل داده و او را عوض کرد و شاید آنوقت حدس بزنند خود من هم شاید خیال کنم که ممکن است کمیانی استاندارداوایل چون حس کرده است که دولت ایران و مجلس ایران با پیشنهاد او موافقت ندارد و آن وقت این پیشنهاد را بهانه قرارداد و بگوید که چون شما این قانون را بهم زدید و شکل آنرا تغییر دادید اسباب یأس من شد زیرا که من هنوز شما اظهار یأس نکرده بودم حالا که آمدید آن امتیاز و قانون را بهم زدید و خراب کردید دیگر من حاضر نیستم با شما مذاکره کنم آنوقت او از بین برود و آن کمیانی دیگر هم که از نقطه نظر او بالاخره از نقطه نظریش بردن فکر و عقاید او ما داریم اینطور وجهه میکنیم آن کمیانی هم مطابق بعضی سوء ظن هاییکه ممکن است پیدا نماید از بین برود و بگوید من می خواستم باشا معامله کنم ولی چون شما در حق من مذاکره با من مذاکره با کمیانی دیگر قطع کردید من

حاضر نیستم باشا مذاکره کنم آنوقت نتیجه که دشمنان و مخالفین ما میخواهند بدینند بایرماندن یک نقطه و خراب ماندن شمال ایران بدست ما یا بدست همان تهدید کننده گان بی حیا و آن شب نامه نویس ها و روزنامه نویس های بی وفا حاصل شود این نگرانی اولی بود که آن اشخاص خیالی می کردند که خود این عجله و اصرار که اصولاً یک اقدام صحیحی نیست باعث شود که کمیانی استاندارداوایل از میان برود و کمیانی دیگری هم اگر بخواهد از روی حقیقت و دوستی با ما معامله کند وقتی تنها ماندن شاید یک پیشنهاداتی که خیلی نازلتر از آن باشد در میز ما بگذارند و بگویند آقایان این است پیشنهاد های ما آنوقت ما بالاخره دستمان از اولی خالی شده این یکی هم را یک پیشنهاد های عملی با ما ارائه نداده این نگرانی اول بنده بود در اطراف آن خیلی صحبت ها شد و اطلاعاتی در این یک و شاید خارج از موضوع باشد باز هم در اطراف این قضیه مذاکره دیگری بود و آن این بود که اساساً منعی نداریم در عین اینکه با کمیانی استاندارداوایل مذاکره می کنیم و در همان هنگام هم پیشنهادات سایرین مراجعه کنیم (چنانکه آقای مشیرالدوله مراجعه فرمودند) و بیستم اگر حقیقت این پیشنهاد سلیبکنگر موافق تر و مفیدتر باحیاسات عمومی است آنوقت پیشنهادات اولی را که یک قسمتی مربوط به این است که کمیانی نفت جنوب را صدی سی یا فلان مقدار شرکت بدهد بمجلس بیاورند و چون مجلس بموجب ماده پنجم شرکت دیگران را با آن کمیانی تصویب نکرده قطعاً قضیه خاتمه پیدا می کند البته دولت می تواند پیشنهادات دیگران را بگیرد و با دیگرانهم معامله کند و آنوقت شش هفت ماه دیگر پیشنهاد استاندارداوایل در مقابل او یکی باشد معلوم باشد کمیانی سلیبکنگر بدولت چه میدهد چون امروز می بینم سلیبکنگر بدولت پیشنهاد می کند حاضر است که صدی شانزده از مایدات خالص نفت را بعد از وضع مخارج به پردازد و پیشنهاد کمیانی اسامندار اوایل صدی ده از کلیه مستخرجات نفت است و وقتی حساب میکنیم می بینیم صدی ده این میشود صدی سی و ولی صدی شانزده آن همان بنا بر این ممکن است این پیشنهاد را که بالاخره رای مجلس و اعتبار مجلس را متزلزل میکند آقایان در این بنده بطور دیگر پیشنهاد کنند و بشکل دیگر و بطور دیگر دولت را وادار کنند با سلیبکنگر یا کمیانی های دیگری که در امریکا هستند مذاکره نمایند و بالاخره صورت کار را طوری قرار دهند که با اعتبارات ما ضرر وارد نیاید و الا آنوقت استاندارداوایل از بین می رود در صورتی که کمیانی دیگری هم باقول رسمی نداده است و ما با یک نالی مصادف میشویم که آن ثالث راهم شاید مجلس

شورای ملی بعضی ملاحظاتی نخواهد دخالت دهد و بواسطه این نظریات و باره قضایای دیگر بود که بعضی از رفقای ما اینطور صلاح دیدند که اولاً ما باید بنشینیم و کمیونی تشکیل بدهم و در آن کمیسیون صلحای ملت و عقلای جماعت باشند و دسیسه های مربوط به این قضیه را در آن کمیسیون بیاورند و مخالفین و موافقین در آنجا حاضر شوند و مسئله مطرح شود اگر در نتیجه دیدن آن اسناد آقایان صلحاً صلاح دانستند که این قضیه تصویب بشود آنوقت مخالفین هم شرکت مخالفت نمایند و اگر صلاح ندانسته موافقت نکنند امروز ما اینجا مانده ایم خوار خوریم و بدسیسه های مربوطه مراجعه کردیم و سر تا پای آن را دیدیم و چیزی بر معلومات ما اضافه نشد جز عریضی که عرض کردم و جز اینکه پیشنهاد استاندارداوایل این است که گفته شد پیشنهادات دیگران هم که هنوز بطور رسمی تلقی نشده است بنا بر این این پیشنهاد ممکن است باعث متزلزل معامله استاندارداوایل بشود و آن کمیانی هم معلوم نیست تا چه حد معتبر و ثابت است تا چه اندازه در مقابل مشکلاتی که هست مقاومت کند و چقدر میتواند سرمایه خود را در این مملکت بیاورد و تا چه اندازه میتواند شرایط خود را با استاندارداوایل موافقت بدهد و بما از کلیه مستخرجات نفت صدی ده عاید میشود و این صدی شانزده بعد از وضع مخارج و یا بالاخره قبل از این که ما با بدینام این کمیانی تاجه خدمت موافقت خواهد کرد اگر بیک چنین پیشنهاد رای بدیم اعتبار رای سابق را بیکر که بنده داده ایم از بین می بریم در صورتی که معلوم نیست این کمیانی های نفتی تاجه خدمت حاضرند یا معامله کند و آنوقت شش هفت ماه دیگر بگذرد و یک مشکلاتی پیش بیاید و بحران های متوالی ایجاد بکند تا امر بمجلس چهارم تمام بشود و این قضیه تا تمام بنامد و بالاخره منتها آرزوی مخالفین ما که عهد آبادی مملکت است حاصل شود این نقطه نظر ما بود که مادر نگرانی خود باقی مانده بود از این تلکرافات و اسناد هم پیش از آنچه عرض کردم چیزی کشف نشده مخالفین ما هم حاضر شده اند با ما موافقت کنند و بالاخره قضیه بمجلس کشانده شد و بنده ناچار شدم این عریض را عرض کنم ما پیشنهاد کردیم که چون این مسئله صحبت در مجلس شده است و طرف توجه است مسکوت عنه بماند و بیک هفته دو هفته در اطراف آن بحث شود و رای قطعی در اطراف آن داده نشود تا به بین نتیجه اولیه این پیشنهاد چه میشود تا به امریکا اطلاع بدهند و جواب بیاید به بینم آیا لحن استاندارداوایل بواسطه این پیشنهاد فرق میکند یا خیر و آیا نتیجه این پیشنهاد مقید است یا مضر آنوقت اگر چنانچه انکس این قضیه مقید بودن آن را با

نشان داد می آیم این جا و با اتفاق کلمه آخرین رای خود میدیم و اگر دیدیم مفید نیست مسکوت می گذاریم و طریقه دیگری برای حل این قضیه پیدا میکنیم این یک پیشنهاد بود که در خارج مذاکره شد و طرف توجه بعضی از آقایان واقع نشد پیشنهاد دیگری بود که جامع الاطراف بود و شاید بعد از عریض خود بمقام ریاست تقدیم کنم و مضمون آن پیشنهاد این بود که هم دولت را آزاد بگذاریم تا بتواند با کمیانی های دیگر مذاکره کند و هم بکوش کمیانی استاندارداوایل برسانیم که دولت آزاد خواهد بود که با دیگران داخل در مذاکره شود و شرایط او را با احساسات ملی و نظر صلحای مملکت تطبیق کنیم و هم سلب اعتبار آن رای را که در اول قوس داده ایم نکنیم این پیشنهاد دارای سجه بنده بود یعنی هم حیثیات رای سابق ما را حفظ می کرد هم بدولت اجازه میداد که با سایر کمیانی ها داخل مذاکره شود و هم ما را مجال میداد که با کمیانی استاندارداوایل بیشتر از این صحبت کنیم و بهانه قطع روابط و قطع مذاکرات را باو نداده باشیم پیشنهاد این بود که در مجلس رای بدیم که دولت تا چهار روز دیگر یا بیست روز دیگر آخرین تحقیقات خود را نسبت بمظنرات استاندارداوایل بعمل آورده و آخرین پیشنهاد او را تحصیل کند و بمجلس ارائه دهد و اگر چنانچه در ظرف این چهار روز یا بیست روز دولت ایران موفق نشد با کمیانی استاندارداوایل صحبت های خودش را تمام کند دولت آزاد خواهد بود با سایر کمیانی ها داخل مذاکره شود که هم ضرب الاجلی فرار داده باشیم و هم بکمیانی استاندارداوایل گفته باشیم ما اگر بعد از چهار روز پیشنهاد خود را تمام نکنیم ما باید دیگران هم می توانیم مذاکره کنیم و هم دیگران را امیدوار کنیم برای اینکه حالا که شش ماه است مانده است بیست روز دیگر هم بماند و منتظر آخرین نظریات کمیانی استاندارداوایل بشوند و خود آن راهم در این بیست روز مشغول تهیه پیشنهاد های دیگری بشوند و یک پیشنهادات بهتری برای ما تهیه کنند این پیشنهاد از طرف یک نفر از آقایان اقلیت اظهار شد و بنده فوق العاده آن را مفید دانستم و جمعی از آقایان دیگر هم آن را مفید دانسته و با آقایان مخالفین صحبت فرمودند و مفید بودن او گفته شد ولی متأسفانه یکمده اشخاصیکه بیشتر مثل دارند نظریات خودشان را پیش ببرند تا اینکه بعد قضایا پردازند موافقت فرموده بنا بر این بنده ناچارم از نقطه نظر نگرانی ها که عرض کردم با این پیشنهاد که در جلسه گذشته شده است مخالفت خودم را عرض کنم بنده موافق با روح این پیشنهاد هستم ولی بطریقی که آقایان بغوریت و مثل

برق می خواهند رای بدهند بلکه با طرزی که جامع الاطراف باشد و چنانکه عرض کردم تمام قضایا را در برداشته و بالاخره بی اعتباری رای و قول مجلس شورای ملی ایران راهم شامل نباشد؟

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟

**محمد هاشم میرزا** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**محمد هاشم میرزا** - البته بیانات مشروح را واگذار می کنم به آقایان که از بنده مطلع تر هستند ولی بنده دو سه مسئله را یادداشت کرده ام که باید بمعرض آقایان برسانم اولاً بعد از این که بریزوز این مطلب مطرح شد در موقع تنفس بنظر آقایانی که امضاء کرده بودند رسید از بدیهات اولیه بود و امضاء کردند و فهمیده و دانسته موافقت خودشان را در آن جلسه اظهار داشتند بعد بعضی از آقایان این مسئله بدیهی به نظرشان خیلی مهم آمد و تقاضا کردند این مسئله بماند و موکول باین جلسه شود ما هم که امضاء کرده بودیم آن تقاضا را قبول کردیم و وزیر بریزوز تا حالا پنجاه شش ساعت می گذرد و این مطلب تحت مذاکره است هیئت متعده هم که بنده و ملک الشعراء جز آن بودیم در این پنجاه شش ساعت خیلی فکر کردیم و بنده نمی توانم بگویم یکی از آقایان امضاء خود را پس گرفته یا این که یکی از مخالفین از مخالفت خودشان دست کشیده باشند و مطلبی که این قدر که به نظر آقایان مهم است بنده خیلی بدیهی می دانم لهذا در فرا کمیون هیئت متعده چنین صلاح دیده شده که در یک چنین مسئله حیاتی و مهمانی به آزادی اظهار عقیده داده شود و امضاء هیئت متعده هر چه می گویند فقط و فقط رای خودشان است و با دله که دارند موافقت و مخالفت خودشان را اظهار خواهند کرد و اشخاصیکه از هیئت متعده ساکت نشسته اند آن را نباید عطف بناطریقین موافق کردند عطف بناطریقین مخالفین این قسمت اولیه عرض بنده بود اما قسمتی که راجع به کمیانی صحبت میشود که معامله با استاندارداوایل لغو میشود خیر آن معامله لغو نمیشود و تصوری بپهوده است که ما می کنیم که این پیشنهاد مذکور با استاندارداوایل را قطع خواهد کرد خیر اگر متعصب بصورتات باشد بنده هم ممکن است خیلی تصورات بکنم ما می گوئیم با کمیانی های دیگر هم باید مذاکره بشود آن هم با تشغیص ملت او که امریکائی باشند مستقل باشد و البته هر وقت شرایط فرجه امتیاز را آوردند هر کدام برای ما بهتر بود آن را قبول می کنیم و این اسامی هم که آقای ملک الشعراء فرمودند خدا شاهد است تا حالا نمی دانستیم نظری بکمیانی سلیبکنگر نداشتیم برای اینکه پیشنهاد آنها

آن ها ندر کمیسیون خارجه مجلس موجود است نه در هیئت دولت که ماد بنده باشیم فقط می خواهیم دست دولت را باز گذاشته باشیم که طرف مذاکره او منحصر بفرز نباشد در این پیشنهاد هم بلفظ کمیانی دیگر نوشته شده است و بلفظ سلیبکنگر یا فلان در موضوع امتیاز فقط هم فقط فقط از اول که مانده ام می کردیم نظرمان نظر اقتصادی بود و نظریه خیالی نداشتیم بهترین دلیل آن هم این است که فقط جنوب مادریکی از منابع مهمه فقط زرد ردف درجه پنجم و ششم فقط دنیا است امتیازش را با انگلیسها داده ایم البته هر امتیازی هر وقت موافقت با مصالح مملکتی ما بکنند هر يك از همسایگان یا غیر همجوران خود می دهیم این که عرض کردم عقیده خودم است و لهذا تا پیشنهاد بمجلس نیاید و شرایط فرجه اش را نه بنیم نمی شود قبول کنیم و هر کدام مخالف با مصالح مملکت بود خواه مال امریکا باشد خواه متعلق بهر دولت بزرگتر و کوچکتر از امریکا باشد قبول نخواهیم کرد پس استند ما دارم نظریات سیاسی را هیچ مدخلیت باین مطلب ندهند و افکار شخص را مداخله در اوضاع مملکت ندهند و آنگاه که پیشنهاد قبول این امتیاز را می نمایند همین قدر که مضرت سیاسی برای ما نداشته باشد قبول خواهیم کرد و البته صدی ازده از صدی ده بهتر خواهد بود پس چیزی که موجب نگرانی ما میشود این است که مخالف با سیاست ما نباشد آن راهم که هنوز تشغیص نداده ایم هر وقت آن شرایط فرجه را آوردند و ما جزئیاتش را دیدیم اگر صلاح باشد قبول می کنیم ولی اگر مضرت داشت قبول نمی کنیم ولی اگر منفعت داشت متعلق بهر مملکت باشد قبول میکنیم در اینجا پیشنهاد شده است با امریکا مذاکره شود چرا؟ برای اینکه از شاه قبل با امریکا مذاکره کرده ایم حالا نخواستیم از آن رای سابق عدول کرده باشیم آمدیم نوشتیم و کمیانی متعصب مستقل امریکائی اما آن قسمتی که بطور کلیه نسبت با اشخاص بود بنده مدافع نیستم هر کس باید از طرف خود مدافعه کند ولی این عبارت بنظر بنده خیلی گران آمد و استدعا می کنم توضیح بدهند چون در ضمن بیاناتشان فرمودند قیافه مجلس مرا نظین کرد مجلس یک هیئت اجتماعی است و من هم یک نفر از امضاء آن هستم و نه میباید قیافه مجلس بطور ایشانرا نظین کرد خوب است توضیح بفرمائید برای اینکه در خارج سوء تعبیری نشود اما قسمتی هم که آقایان نمایندگان اظهار احساسات نمودند و آقای ملک الشعراء خیال کردند تهدید است خیر ایشان استقلال را تشبیه کردند بر آه آن و فرمودند هر مملکتی که راه آهن ندارد استقلال ندارد این بود که آقایان نمایندگان رد کردند بنده هم عرض می کنم استقلال

**ملک الشعراء** - اجازه میفرمائید توضیح بجاویم بدیم.

**رئیس** - بفرمائید.

**ملک الشعراء** - حقیقتاً مسئله بقدری ساده بوده که بنده فراموش کردم و نمیدانم چه توضیحی عرض کنم یک سخنی را می گویم و هنوز به آخر نرسانده آقا بیکس متش را چندین و مثل آقایان جدلی ۰۰۰

**محمد هاشم میرزا آقا بنده** جدلی نیستم نسبت بن توهین می کنید

**ملک الشعراء** - در آن قسمتی که بنده صحبت میکردم هست آن این نبود که بدون راه آهن استقلال نیست و وقتی راه آهن باشد استقلال هم هست این یک موضوع علیحده است در خارج نشریف بیاورید تا برای شما عرض کنم که استقلال بنده این نبود که استقلال مربوط براه آهن است موضوع بالاتر از این است که ما بتوانیم این جا مذاکره کنیم راجع بظنین بودن از مجلس بنده عرض کردم قیافه مجلس مرا نظین کرد و توضیح دادم باینست آقا قانع شوند عرض کردم یک مسئله بزرگی بلافاصله در اطلاق



تتس مجلس برق زرد در آن اطاق باشکله جلوه‌خانه بامضاه رسیده و بالاخره بعضی از دوستان و رفقای بنده آن را امضاء فرمودند بعد نتیجه مذاکراتی که ما کردیم آنها حس کردند که امضاء کردن فرع رأی دادن نیست این بود وقتیکه مجلس آمدیم و در مجلس نشستم بنده با کمال سادگی و نزاکت تقاضا کردم برای اینکه این مطلب در اکثریت مذاکره شود بماند برای جلسه دیگر بعد از این تقاضای بنده حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله برخاستند و داخل اصل موضوع شدند و یک نطق باحرارت و شهادتی فرمودند که درجارید ملاحظه فرمودید آن مسئله مقاماتی و این عجله و بالاخره این تقاضای عاجزانه بنده با آن ترتیبی که بنده تقاضا کردم این ترتیبات را بنده بقیافه مجلس تشبیه کردم و اسمش را قیافه می گذارم حالا اگر شما یک عبارتی می دانید بگوئید.

**رئیس** - آقای قمی جنابالی هم مخالفند؟

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - بنده مخالفم و یکی از شاخصی هستم که این لایحه را امضاء کردم و وقتیکه امضاء کردم خیال کردم یک همچو مسئله بطور عادی می آید بمجلس و تحت شور گذاشته می شود و بکمسیون خارجیه مراجعه می شود و دو شور در آن می شود وقتی که بمجلس آمد فوریت آن تقاضا شد و اجازه ندادند بکمسیون مراجعه شود بنابراین چون بنده در باره نفی با اثبات این قضیه هنوز نظریه اتخاذ نکرده‌ام و نمی دانم بداست یا خوب است از دادن رأی امتناع خواهم نمود برای این که بنده معتقد بودم در این امر باید تعمق و مطالعه بشود و بنده معتقد بودم که دولت سابق ولد حق و صلاحی مجلس در کمسیون جمع بشود و این مسئله را تحت مطالعه بگذارند اما چون تقاضای فوریت کردند و نگذاشتند بکمسیون مراجعه شود

بنده از این جهت مخالفم و هنوز در نفی و اثبات این قضیه تصمیمی اتخاذ نکرده‌ام.

**رئیس** - اما بعد از این کار را نکند برای این که لایحه را نخواند امضاء کرده‌اید

**آقا میرزا ابراهیم** - بنده فوریت آنرا ندیدم

**رئیس** - آقای آقا - پید یعقوب (اجازه)

**آقا سعید یعقوب** - بنده لایحه را خوانده بودم فوریتش را هم دیده بودم و با همان عقیده هم رای دادم و لیکن یک مسئله است که نباید از نظر خارج بشود یکی از رفقای من در هیئت متعده دیروز صحبتی کرد که فوق العاده جالب نظر و توجه شد

این مسئله راهم می دانم که ما از هر جهت فقیر هستیم فقر عملی داریم فقر رجالی داریم فقر مالی داریم نهایت دست طبیعت و قدرت الهی ذخائری برای ما در قمر زمین بودیم گذاشته که اگر ما بتوانیم آن ذخائر و معادن نفتی را استخراج کنیم گمان میکنم لاگر در دنیا اول دولت غنی نباشیم مسلماً در ردیف سوم چهارم دول غنی و سرمایه دار دنیا خواهیم بود

آن شبی که لایحه راجع باستخراج معادن نفت شمال را آوردند ما همانند کبوتری که در یک قفس محبوس و گرفتار باشد یک مرتبه روزنه از آن قفس کشورده شود بهر دریکی که ما آن روزنه ها را دیدیم یکمرتبه پرواز کردیم ولی بعد از مطالعه ای که در روزنامه جات ملاحظه کردیم و اطلاعاتی که در اطراف تحصیل کردیم همچو استنباط شد که بآن چیزی که میخواستم از دستش فرار کنم باز گرفتار شدیم این را هم بنده عرض میکنم که ابدأ نقطه نظر سیاسی در کار نیست بلکه مسئله یک مسئله اقتصادی است و همان طور که آقایان اظهار کردند ما بمنزله تاجری هستیم که میخواهم مطاع خود را بقیمت اعلا و بالاتر و بالاخره بهر کسی که یکدینار زیاد تر بخرد بفروشیم بنده اگر چه روزنامه ها و اوراق چاپ چندین دفعه و بنده در این حال فوق العاده از روزنامه نهضت شرق متشکر هستم که لویج چندی در باب نفت نوشت و در واقع چشم بنده را باز کرد و بر اطلاعات بنده افزود و بالاخره فهمیدم و مستعضر شدم که اصلا نفت چه مطاع نفیس چه مال التجاره گران بها و بر قیمتی است و امروز چقدر نظریه دنیا متوجه بسوی اوست و تا چه درجه اهمیت دارد که ما سابقاً نمی دانستیم

برادر عزیزم آقای ملک الشعراء همچو گمان می کنند که اگر این کمیانی از بین برود دیگر کسی پیدا نمیشود و این معادن همانطور در زیر خاک باقی می ماند

آقا اینطور نیست زیرا این بمنزله الماس برلیان و در گران بها است و طالب زیاد هم در دنیا دارد ما باید فریاد بزنیم و بهمه دنیا اعلام کنیم که ما این کنج شایان و این ذخایر بی پایان را در مملکت خود داریم هر کس میخواهد بیاید و استخراج کند تصور نکنید اگر این کمیانی از بین رفت دیگری هم خواهد رفت.

خبر بنده شرط می کنم طالبین خودشان بالتامس می آیند و امتیاز آنها از ما بشوهند پس دیگر این مسئله جای نگرانی و تشویش نیست فرضاً امروز هم نشود فردا خواهد شد و در حال این قسم نخواهد ماند و دیر یازود کشف خواهد شد بنابراین نباید عجله داشت که منافع این معادن حتماً امروزه متوجه ما باشد اگر امروز نشدند در اولادان و اخلاف ما مبادرت باستخراج این معادن کرده و منتفع خواهند شد مقصود اصلی ما فقط این است که ایران از این کنج های شایان خود برخوردار و منتفع شود.

اما اصل مسئله ما از آن اطلااعات خارجی همچو تصور کردیم که از قفس پرواز کرده‌ایم ولی نزدیک به تیر صیاد هستیم و حالا باید کاری کنیم که هدف تیر صیاد نشویم چون این مسئله آن روز که صحبت شد تحت شور و مطالعه نیامد و حلاجی نشده بود و در هیئت متعده که نایک هم ثابت و مثل کوه ایستاده است مسائل سیاسی و اقتصادی مملکت را تحت نظر و شور گرفته و داخل حل آن بشود چون این مسئله اول در فراد کسیون و بین جمعیت صحبت نشده بود لذا از مجلس تقاضا کردیم که مطالعه و شوری در اطراف آن بشود تا مسئله مثل شب اول قوس نباشد بعد وارد در اصل مسئله شده و اطراف آن را تحت نظر و دقت آوردیم و حالا بنده نظریات و معتقدات خود را در این باب عرض می کنم

ماده پنجم لایحه را که مجلس گذرانده کاملاً ما را از شر تیر صیاد صیانت و نگاهداری می کند زیرا آن ماده تیر صیاد را از ما دفع کرده و در نتیجه کمیانی استاندارد داویل نمی تواند بدون اجازه مجلس با کمیانی دیگری در استخراج معادن شرکت نماید و باید با اجازه مجلس باشد پس کمیانی مزبور از او نیست که با هر کس بخواهد شرکت کند و چنانچه عرض شد ماده پنج رفع نگرانی ما را از تیر صیاد نموده است. اما در مسئله اول مجلس شورای ملی بدولت حق و اجازه داده که با کمیانی معروف استاندارد داویل که آنشب بقدری تعریف و توصیف او را کردند که بنده میخواستم ختم ام. تعجب برایش بگیرم و وارد مذاکره بشود ولی مجلس فقط حق مذاکره را به دولت داده نه امتیاز زیر دادن فرع بر این است که موادش بمجلس آمده و از مجلس بگذرد این را برای این عرض کردم که رفع سوء تفاهم از آقای ملک الشعراء بشود که دیگر نفرمایند مجلس امتیازی را بیک کمیانی داده است فسخ می کند غرض این است که مجلس بدولت حق داده که با این کمیانی داخل مذاکره شده و راجع باستخراج معادن نفت شمال با او صحبت بکنند حالا هم همین مجلس میتواند بدولت بگوید ملت که مرا از اجانب خود منتخب کرده و تمپین مقدرات او در سیاست همه در دست من است و همانطور که آن وقت چنین حق را بتو دادم و حالا هم بتو حق و اجازه میدهم که راجع باین متاع من باشی شخص دیگر و با کمیانی های دیگری مذاکره کنی و البته همانطور که برادر عزیزم آقای محمد هاشم میرزا فرمودند الفضل للمنتقم و بدیهی است اگر شرایط کمیانی هائی که میخواهند معادن نفت شمال را استخراج کنند با

شرایط کمیانی استاندارد داویل متساوی و یکی بود اولی حق تقدم دارد پس مجلس امتیازی بکسی نداده و موادی را نگذرانده است که امروز بخواهد او را نقض کند که بگوئید به حیثیت مجلس شورای ملی بر می خورد خیر بهیچوجه به حیثیت مجلس شورای ملی بر نمی خورد تا نیاً سلمناً که امتیاز هم داده شده باشد مگر قوانینی که مجلس وضع میکند قوانین الهی است و حلالا حلال و حرام الهی یوم الیامه است قانون اساسی نیست که غیر قابل تغییر باشد بلکه ملت برای منافع خودش یک قانون عادی گذرانده مگر در روزنامه جات و جراید نمی خوانیم که در خارجه هر روز پیشنهاداتی کرده و قوانین تازه وضع می کند و از مجلس می گذرانند چرا برای اینکه منافعشان این طور اقتضا می کند پس ما هم باید منافع خودمان را در تحت قانون بگذرانیم و این قوانین هم بمنزله قانون عادی خواهد بود نه قوانین ثابت و دائمی وضع این قانون برای ترقی مملکت و انتفاع ملت است پس مادام که این قانون نافع بحال ملت و مملکت باشد قبول است و وقتی فائده و نتیجه برای ملت و مملکت نداشته باشد تغییر خواهد کرد زیرا وضع قانون برای این است که منافع ملت را حفظ کرده و او را از حسیض ذلت باوج ترقی و تعالی برساند پس بطوریکه عرض کردم اینکه از مجلس گذشته بهیچوجه امتیاز نبوده بلکه یک اجازه بدولت داده شده که با کمیانی استاندارد داویل داخل مذاکره شود حالا هم مجلس بدولت میگویی با کمیانی دیگری مذاکره کن و آنچه را که مقتضی صرفه و صلاح واقعی ماست عمل کن و هیچ نمی گوید از کمیانی استاندارد داویل صرف نظر کن غرض این است که ابدأ امکان ندارد ما دست از این پیشنهاد برداریم.

**رئیس** - آقای تدین موافقید یا مخالف؟

**آقای تدین** - موافقم.

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله چه طور؟

**حاج شیخ اسدالله** - موافقم.

**رئیس** - آقای نصره الدوله موافقم؟

**آقای نصره الدوله** - موافقم.

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بلی بنده هم موافقم.

**رئیس** - آقای کازرانی بنده هم موافقم.

**رئیس** - آقای حاج میرزا مرتضی بنده هم موافقم.

**رئیس** - آقای معنی الملهاه محقق العلماء - موافقم.

**رئیس** - آقای فتح الدوله و آقای ارباب کیخسرو هم موافقتند؟

**ارباب کیخسرو** - بلی بنده هم موافقم.

**رئیس** - آقای حاج میرزا علی محمد و آقای مستشار السلطنه هم موافقتند؟

**مستشار السلطنه** - بلی بنده هم موافقم.

**ملک الشعراء** - بنده مخالفم.

**رئیس** - اسم جناب عالی هنوز نرسیده است آقای مدرس و آقای شیخ العرافین زاده هم موافقتند؟

**مدرس** - بلی موافقم ولی مدافع هم هستم.

**رئیس** - آقای تدین (اجازه)

**تدین** - از موقعی که این قطعنامه در مجلس تصویب شد بنده کاملاً موافق بودم و این پیشنهادی هم که دیروز بنده رسیده در حالتی که متجاوزسی نفر از آقایان آن را امضاء کرده بودند بنده خواندم و دقت هم کردم و بعد از دقت امضاء کردم اولاً علت موافقت بنده گمان می کنم خیلی ساده بود برای اینکه این اقدام یک اقدامی بود که منتهای آمال و آرزوی هر ایرانی است که باب اقتصاد خودش را بروی آمریکا باز و مفتوح کند و علت اینکه مذاکرات در این موضوع در آن تاریخ علنی نشد و بعد از اینکه داخل مجلس شد صلاح ندیدند این موضوع زیاد مطرح بحث شود بعقیده بنده دو چیز بود یکی اینکه موضوع بقدری واضح بود که بهیچوجه قابل نبود زیاد مطرح بحث شود

علت دیگر این بود در سوابق ایام بعضی اینکه ملتقت میشدند دولت ایران با یک نقطه و مرا کزی داخل مذاکره شده است فوری یک آنتریک هائی می کردند و در نتیجه موقعیت حاصل کند این رفته از گذشته تجربه آموختند و این طور صلاح دیده شد که این مسئله از رقباء مستور بماند که آن هایک مرتبه در مقابل یک امر واقع شده و از کار گذشته واقف شوند بنابراین مستور ماندن این قضیه را مایک نوع موقعیتی برای خود تصور کردیم والا هم اینطور نبود که آقایان بکلی از مسئله بی اطلاع باشند و بعقیده بعضی ها در بنجاه دقیقه این مسئله بطور ساده گذشته باشد خیر این طور نبود بعد از آن هم که این قضیه علنی شد و از آن تاریخ تا امروز متجاوز از شش ماه یک سنگوایی در جلو این امر میافتند متویق امر در مدت ششماه خود دلیل بر این است که موانع خارجی در مقابل انجام این امر

ایجاد شده است و البته تمام آقایان منبع این آنتریک و کسانیکه این سنگها را پرتاب می کنند بخوبی می دانند و بنده محتاج نمی دانم شرح دهم ولی برای این که این قضیه باطلاع عامه ملت ایران برسد بطور کلی یک سلسله اطلاعاتی را که بنده در مدت این شش ماه از مقامات مربوطه تحصیل کرده ام عرض می کنم و در ضمن معلوم خواهد شد که مانع انجام این امر کی بوده بعد از آن که دولت نماینده سیاسی خودش در آمریکا قطعنامه مجلس را ابلاغ کرد (نه امتیاز را) و نماینده سیاسی خودش دستور داد که بروی این اصول پنجگانه با کمیانی استاندارد داویل داخل مذاکره و صحبت شود در آن موقع البته آقایان می دانند گاهگاهی در ضمن اخبار روبریک یک چیزهائی اشاعه می شد تا آنکه بالاخره اول شرطی که کمیانی استاندارد داویل اظهار کرد و رئیس دولت وقت آقای مشیرالدوله نپذیرفتند این بود که کمیانی مزبور میگفت من حاضر قبول امتیاز را بکنم مشروط بر اینکه کمیانی نفت جنوب هم بامن شریک باشد این شرط را رئیس دولت وقت نه نپذیرفتند البته معلوم است سرمنشأ این مسئله چه بوده و مسلم بود که این شرط را دولت نمی پذیرفت و اگر این قضیه بمجلس هم می آمد یقیناً و قطعاً بمجلس هم نمی پذیرفت و قبول نمی کرد بنابراین دولت تلگراف کرد که این شرط قابل قبول نیست زیرا افکار ملت ایران با قبول شرط مزبور مخالف است (گفته شد - صحیح است) بعد از این مذاکرات که تقریباً از دو ماه قبل با طرف می شد بطور خصوصی اطلاع پیدا کرده ایم کمیانی استاندارد داویل گفته است که ما باید در سهام خود یک کسان دیگری را هم شریک و سهام قرار دهیم البته تصور نمی کنم این مسئله هنوز در مرض قبول واقع شده باشد و بنده منتظر بودم یک روزی این قضایا در مجلس مطرح شود و بنده در آن موقع عقاید خود را در این موضوع آزادانه عرض کنم و امروز روزی است که لازم میدانم عقاید خود را علنی و آزادانه عرض کنم چرا؟ برای اینکه ممکن است در آتی با اظهار عقاید خود موفق نشوم و آن این است که بنده با الصراحه عرض میکنم که هیچ ایرانی راضی نخواهد شد باینکه آن اشخاص که تا کنون دشمن آزادی و ممانند استقلال و مخالف اقتصاد ما بوده اند بهر عنوان شریک در امتیاز نفت شمال باشند ما حاضریم باب اقتصاد را مفتوح کنیم ولی بهیچوجه حاضر باسارت اقتصادی نیستیم و با هر شرط و طریقه که مستلزم اسارت اقتصادی ما باشد که در نتیجه اسارت اقتصادی مستلزم اسارت سیاسی هم خواهد بود بنده و هر ایرانی و قطعاً همه نمایندگان مخالف خواهیم بود و بنده که دیروز

باین پیشنهاد موافقت کردم برای این بود که میدانم قبول شدن و اضافه شدن این جمله بر آن قانون یک مسئله اساسی را تسریع خواهد کرد و آن این است که اصل قضیه در نتیجه اضافه شدن این جمله کاملاً مشکوف خواهد شد که آیا کمیانی استاندارد داویل حقیقتاً مطابق آن اصول پنجگانه حاضر است این امتیاز را قبول کند یا اینکه خیر می خواهد ارتباط با جاهای دیگر داشته باشد و در نتیجه تصوری کنم رسیدن این خبر باو تأثیرات عمیقه در اصل حالات او خواهد کرد ما مخالفان کمیانی استاندارد داویل نیستیم و معتقدیم به این که کمیانی مزبور بکلی از کمیانی های بزرگ و معتبر دنیا است ولی مخالف خواهیم بود با اینکه او نخواهد یکشرایطی را بما تحمیل کند که آن شرایط برخلاف آمال و آرزوی ما باشد (از طرف جمعیت صحیح است)

بنام این تصوری کنم اضافه کردیم این جمله منافاتی ندارد زیرا ما این حق را از دولت سلب نمی کنیم که با کمیانی استاندارد داویل داخل مذاکره بشود بلکه مایکرقبی در مقابل او ایجاد می کنیم و شرایط هر دورا می بینیم هر کدام انفع بحال ملت ایران باشد او را قبول می کنیم

و در ضمن ما به این کمیانی هم که الان اینجا اسمش برده شد و می گویند دوفتر نماینده ایران فرستاده و مدتی است این جا هستند اختصاص نمی دهیم ما نگفتیم کمیانی سلینکدر یا زینلنگر خیر بطور لاهلی التین است

این کمیانی یا کمیانی دیگر برای ما فرقی نمیکند بنا بر این ما اصولاً حاضریم با یکشرایطی که نفع ملت ایران در آن باشد بهر یک از کمیانی های معتبر و مستقل آمریکائی این امتیاز را بدهیم اما این که فرمودند بی اعتباری مجلس ثابت میشود بنده تصور میکنم مجلس امتیاز نامه را تصویب کرده است که امروز گفته شود بدون جهت رای خود را لغو می کند یک اجازه از طرف مجلس بدولت داده شد که با کمیانی داخل مذاکره شود بعلاوه این جا هم منع نشده که با آن کمیانی داخل مذاکره نشود ششماه و نیم است از این قضیه می گذرد و باید هر چه زودتر این مسئله حل شود و بنده صاف و صراحتاً عرض می کنم که اگر چنانچه این قضیه بفتح و مصلحت ایران حل شد همه با کمال میل و آرزو و شوق رای خواهیم داد و اگر چنانچه بصره و مصلحت ایران حل نشود بنده شخصاً عقیده دارم و گمان می کنم همه آقایان هم این عقیده را داشته باشند که اگر کنج شایان و ذخایر بی پایان که آقایان اسم بردند ذکر کردند در زیر خاک بماند بهر ترتیب اولی تر است از اینکه باسارت اقتصادی

سیاسی تن دردم و **رئیس** - چون جمعی از آقایان خسته شده اند اگر مجلس اجازه می دهند ده دقیقه تنفس داده شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - قبل از اینکه داخل در موضوع مذاکرات گذشته شوم مطلب مختصری بود که لازم است بعرض آقایان برسانم و آن اینست که البته خاطر آقایان مسبوق شده است بیکسخت از عایدات گمرکات برای اقساط استقراضی تخصیص داده شده هر قدر عاید بشود در آخر هر ماه محاسبه می شود و اقساط مقرر می شود بر می دارند و بعد از آن بدولت می پردازند چون حالاً موقع محاسبه و تفریح حساب هر ماه رسیده بنده و با نفع دولتی نیست که بتوانند آن وجه را بدولت بپردازند چنانچه در موقعی بیکرورتومان بطور مساعدت گرفته شد اجازه مجلس را شرط دانستند حالاً هم برای این که مازاد عایدات گمرک رابه پردازند موکول با اجازه مجلس کرده اند اگر مجلس اجازه بدهد بیاید یک بنویسم که مازاد عایدات گمرک را هر قدر می شود باعتبار بپردازد

(عموماً تصدیق نوند)

**رئیس** - پس اگر با این ترتیب موافقت خوب است قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

**حاج شیخ اسدالله** - با اینکه بنده همیشه معتقدم که مذاکرات در مجلس باید مختصر بشود و خودم هم شخصاً غالباً هم مصروف باین نکته بودم ولی امشب تصدم این بود که قدری مشروح و مفصل تر در این زمینه هرایض را عرض کنم ولی اگر آقایان ورفقا بنده امروز فرمودند که مختصر تر از سابق صحبت بکنم این است که هرایض خود را مختصراً عرض می کنم (بعضی از نمایندگان انشاء الله) اولاً خیلی متأسف هستم از اینکه حقیقتاً یک اختلاف نظری بین بنده و یکی از بهترین رفقای بنده آقای ملک الشعراء در این زمینه روی داده است هم مسئله در فرا کسیون باب تصمی اتخاذ شده یعنی وقت و مجالی برای اینکار پیدا نکردند و بالاخره بواسطه اینکه آقایان مخالفین می خواستند تعقیقات عمیقتری بکنند بهمان حال باقی بمانند و نظریه جمعیت این شد که در این موارد و عقاید آقایان رفتار آزاد بگذاریم این است که حالاً ممکن است آقای ملک الشعراء یک عقیده داشته باشند که بر خلاف عقیده بنده باشد اما راجع با اظهارات



مقدماتی که بیان فرمودند مراجع بفرمودند که باین هائی که فرمودند منتشر و پرتاب شده که بنده ندیده‌ام و گفته‌اند در روز يك فست منتشر شده و يك قسمت هم امروز منتشر شده است و بعضی از آنها نظر موافقین این پیشنهادر است تقدیر کرده‌اند و بعضی دیگر نظر مخالفین پیشنهادر است تقدیر و تکذیب کرده‌اند در هر حال يك نسبتی نهائی داده شده است و بنده از مشاهده این وضعیت خیلی متأسف و متاثرم و تعجب می‌کنم از اینکه چگونه وضعیت مملکت را باید برخلاف معمول تمام دنیا باشد بعضی از آقایان ارباب جراید تصور می‌فرمایند که باید تمام مردم در اظهار عقیده آزاد باشند مگر وکیل و حقیقه این قضیه محل تعجب و حیرت است يك مطلبی بمجلس می‌آید البته هر يك از کلاه شاید دلائلی در رد یا قبول آن مطلب داشته باشند در این صورت باید آزادانه عقیده خود را اظهار بنمایند چنانچه شاهزاده سلیمان میرزا مکرر اینجا اظهار فرمودند و کبیل باید با کمال شجاعت عقیده خود را ولو اینکه آن عقیده برخلاف معتقدات و نظریه تمام آرایان و کلاه باشد اظهار نماید ولی امروزه متأسفانه در تحت بعضی تأثیرات که در مملکت ما حکم فرماست این مسئله مورد تنقید واقع شده و در نتیجه بعضی هامتوسل و متشیب به جراید و انتشار فوق العاده و يك چیزها-ئی که ذکر آن حقیقتاً تأسف آور است می شود ولی بنده باین چیزها ترتیب اثر نمی دهم و تصور می‌کنم عقیده آزاد است و عقیده خود را هم در هر مورد با کمال آزادی اظهار کرده و خواهم کرد هر کس هم هر چه می خواهد در زمینه مخالفت بنده بنویسد و آقای ملک هم نباید از اینکه روزنامه بر خلاف ایشان چیزی نوشته متأسف باشند ایشان عقیده خود را اظهار می‌فرمایند و مامم نظریه خود را عرض می‌کنم و البته در موقع خودش معلوم خواهد شد که گوی به خطا رفته و گوی بصواب رفته است و حالا بعد از این مقدمات دیگر بنده نمی خواهم بیس از این شرح دهم اما از اصل مطلب وقتی که بنده این پیشنهادر است امضا کردم مطلب بنظر من خیلی ساده آمد حالا هم خیلی صاف و ساده و روشن است سابق بر این مجلس يك قطعنامه صادر کرد و اجازه بدولت داده که با کمیانی استاندارداوایل در امتیاز نفت شمال داخل مذاکره هودهم چنانکه بعضی آقایان فرمودند متأسفانه بعد از اینکه شش ماه از رسیدن مسئله می گذرد تازه می بینیم بایک قضایائی مصادف شده و مشکلاتی پیش آمده است که برخلاف نظریه تمام نمایندگان است و هیچیک از نمایندگان که در آن موقع رأی باین مسئله دادند تصور می‌کردند و احتمال نمی دادند این قضایا پیش می‌آید کمیانی استاندارداوایل راجع به نفت شمال پیشنهادی

کرد که بر حسب ظاهر خیلی ساده بود و ما هم با کمال بشاشت این مطلب را تلقی کرده و با کمال امیدواری بدولت اجازه دادیم داخل مذاکره شود متأسفانه حالا می بینیم پیشنهادر استی می شود که شاید بعقیده بنده صلاح ما در تصدیق و تصویب آنها نباشد دولت های سابق هم هم اینطور اظهار کرده‌اند که چون مجلس رأی داده است فقط با کمیانی استاندارداوایل داخل مذاکره شویم از این جهت نیست که با کمیانی های دیگری داخل مذاکره شد در صورتیکه این مطلب صدق باشد البته آقایان تصدیق میفرمایند که با این صورت دست دولت بسته است چنانچه شش ماه طول کشید و نتیجه مطلوب هنوز حاصل نشده است پس خود مجلس دست دولت را باید باز کند.

خود آقای ملک فرمودند ( ممکن است در تحت تأثیرات بحران و شاید يك دوره های فترتی يك چیزهای ناگواری پیش بیاید) بنده همین فرمایشات را دلیل بر این میدانم که هر چه زودتر باید دست دولت را باز کنیم که اگر خدای نکرده دوره فترتی پیش بیاید دست دولت باز باشد و طریقه اقدام دولت منحصر بمذاکره با کمیانی بخصوصی نباشد

باید دست دولت باز باشد که با کمیانی های دیگر هم داخل مذاکره شده و پیشنهادر هر کدام موافق مصالح ممالک باشد آن را قبول کنید و این سخنیکه پس از عقیده خود را هم در هر مورد با کمال آزادی اظهار کرده و خواهم کرد هر کس هم هر چه می خواهد در زمینه مخالفت بنده بنویسد و آقای ملک هم نباید از اینکه روزنامه بر خلاف ایشان چیزی نوشته متأسف باشند ایشان عقیده خود را اظهار می‌فرمایند و مامم نظریه خود را عرض می‌کنم و البته در موقع خودش معلوم خواهد شد که گوی به خطا رفته و گوی بصواب رفته است و حالا بعد از این مقدمات دیگر بنده نمی خواهم بیس از این شرح دهم اما از اصل مطلب وقتی که بنده این پیشنهادر است امضا کردم مطلب بنظر من خیلی ساده آمد حالا هم خیلی صاف و ساده و روشن است سابق بر این مجلس يك قطعنامه صادر کرد و اجازه بدولت داده که با کمیانی استاندارداوایل در امتیاز نفت شمال داخل مذاکره هودهم چنانکه بعضی آقایان فرمودند متأسفانه بعد از اینکه شش ماه از رسیدن مسئله می گذرد تازه می بینیم بایک قضایائی مصادف شده و مشکلاتی پیش آمده است که برخلاف نظریه تمام نمایندگان است و هیچیک از نمایندگان که در آن موقع رأی باین مسئله دادند تصور می‌کردند و احتمال نمی دادند این قضایا پیش می‌آید کمیانی استاندارداوایل راجع به نفت شمال پیشنهادی

مشتری تمام خواهد شد تا منافع فروشنده زیرا چون مشتری یکی است و خریدار هم مجبور لذا هر چه دلش بخواهد پیشنهادر می کند يك احتمالات دیگری داده اند و فرمایشاتی فرمودند که اگر بنده بخوام داخل آن موضوع شوم برخلاف قوی خواهد بود که با آقایان داده ام

ولی همین قدر بطور مختصر و ساده عرض می‌کنم که بنده نه کمیانی که اخیراً آمده است می شناسم نه کمیانی استاندارداوایل را و نه هیچکدام را دیده‌ام و نه با هیچ يك از اینها الحدالله رابطه دارم زیرا بنده يك ایرانی هستم و همیشه مذاکرات و سروکار من با ایرانی بوده است و امیدوارم همین طور هم باشد و بنده هیچ نظر بکمیانی دون کمیانی ندارم و فرقی هم برای بنده نیستند فقط مطالب صاف و ساده است که بن الغاء شده و همانطور وقتی که نزد خود می‌سنجم و مقایسه میکنم میبینم در حساب دو دوتا چهارتا میشود همان طور هم نمیتوانم این را منکر باشم که دومشتری بهتر از يك مشتری است پس بنا بر مراتب فوق باید دست دولت باشد که هی اظهار بکند آقایان نمایندگان من نمیتوانم غیر از استاندارداوایل با کمیانی های دیگر داخل مذاکره شوم و اخیراً کمیانی استاندارداوایل ماده پیشنهادر کرد واقعا چیز غریبی است و حیرت آور است اما بنده پیش از این عرض می‌کنم و بهمان مطالب ساده قناعت کرده و سعی می‌کنم که داخل يك مطالب سیاسی نشوم اگر موقع دیدن رسید آن وقت هراض خود را خواهم کرد

رئیس - جمعی از آقایان تقاضا کرده‌اند که مذاکرات کافی است (بعضی گفتند مذاکرات کافی نیست)

رئیس - چون تقاضا کرده‌اند مجبورم رأی بگیرم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمایند اکثر نمایندگان قیام فرمودند

رئیس - معلوم میشود کافی است علاوه بر پیشنهادر اصلی يك پیشنهادر دیگری هم رسیده است قرائت میشود بدو پیشنهادر تانی رأی میگیرم بعد به پیشنهادر اولی آقای منتصر الملک پیشنهادر مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

امضا کنندگان ذیل پیشنهادر مینمائیم برای تسریع و تمجیل در حل قضیه معادن نفت شمال پیشنهادر فعلی مسکوت عنه مانده و بدولت از تاریخ تشکیل کابینه الی مدت چهار روز مهجال وقت داده شود که آخرین تصمیمات و نظریات کمیانی استاندارداوایل را تحقیق نماید هر گاه در این مدت قضیه مطابق فصل پنج گانه اجازه نامه مجلس شورای ملی حل و تسویه نشود دولت مجاز و مختار خواهد بود با کمیانی های دیگر داخل

مذاکره شود بعضی تقاضا نمودند امضای پیشنهادر کنندگان قرائت شود و بشرح ذیل قرائت شد

عبدالسلطنه طباطبائی - ملک الشرا اقبال السلطان - حاج امین التجار - آقامیرزا ابراهیم قمی - آقا سید کاظم یزدی

ملک الشعراء - بنده توضیحی ندارم

رئیس - بفرمائید

ملک الشعراء - بنده باز برای دفعه دیگر با کمال احترام در عین حال با کمال العاح خاطر آقایان را متذکر می‌کنم و استدعا می‌کنم قدری فکر و تعمق بفرمایند و باین خیال نباشد چون این پیشنهادر را عده قلیلی کرده‌اند حتماً آن را رد کنند و چون این پیشنهادر پیشنهاد آن هارامسکوت می‌گذارد نباید قبول بشود استدعا میکنم باز قدری تفکر و تعمق بفرمائید و اگر چنانچه دیدید این پیشنهادر عملی تر و جامع الاطراف تر است آنوقت رأی بدهند اساساً اصراری که بنده دارم و مذاکراتی که کردم برای يك نکته مهم است و آن این است که سرمایه امریکا بهر مقاومت بهر سعی و کوشش که ممکن است شامل ایران جلب بشود و این معادن لاتمد و لانهی و آن کنجهای شایکان و بقول آقایان این الی اسباب بر لیلان استخراج شود باز تکرار می‌کنم و در ابرام خود باقی هستم هر مملکتی که معادن و منابع ثروت و استخراج نشود هر قدر در ظاهر ماده استقلال بزند و فریاد کند مشت بسندان کوفتن است بالاخره يك مملکت فقیر و بی استبداد نمی‌تواند در مقابل این دنیای نو و این محیط نو و این اسباب های نو مقاومت کند اگر چه در قلوب افراد ملت اسم استقلال نقش شده باشد و تکیه اقتصاد و ثروت و بالاخره آبادی نداشته باشد از بین میرود از نقطه نظر حساب و مطابق نظریات فنی و عملی فانی و ذایل می‌شود این اصل عقیده بنده است و این عقیده را غالب آقایان داشته‌اند و جز مرام عملی آنها بوده است نظر باینکه عقیده بنده و رفقای بنده است بهر وسیله که ممکن است سرمایه امریکا را شمال ایران جلب کنیم باید بهر اندازه سعی و جدیت داریم بکار ببریم و سعی کنیم این رشته اقتصادی مهم که دنیا با داده است از بین نرود و باید دقیق بشویم و حتی الامکان از نظریات اکثریتی و اقلیتی که چون من این کار را کرده‌ام باید همینطور بشود صرف نظر کنم هالجنابای کنیم و از این مرحله بگذریم و در این پیشنهادر دقیق بشویم اگر دیدیم خوب است رأی بدهیم آقایان در ضمن نطق مهیج و فصیح خودشان بالاخره فرمودند اگر این معادن کشف نشود همینطور بماند بهتر است از اینکه

بدست رقیب مخالف بیفتد البته بدست رقیب مخالف بیفتد مثل این است که خانه ما را بیگانه بسازد این طبیعی است و یکی از ایده آل های ما و هرایرانی است و بنده هر ایرانی را با این عقیده موافق و تمام را مایل باستقلال می دانم ولی طرق فکر و دمل شان مخالف است البته هر ایرانی میل دارد خانه خودش را خودش بسازد و همه در اصل قضیه شریک هستیم اما در مراحل آن ممکن است اختلاف پیدا شود ممکن است بعضی ها بگویند این قضیه برخلاف میل ما واقع می شود ولی بواسطه این جزئیات ما نباید رشته ارتباط هائی را که بنفع ما تمام میشود قطع کنیم باید رشته های مانده را نگاه داریم و مردانه بایستیم و جلو آن رشته های سوء را بگیریم و نگذاریم این رشته ارتباط اصلی مقطوع شود نباید این خیال را بکنیم که چون صدسال یاسه هزار سال یا از اول دنیا خراب بوده باز هم خراب بماند این حس را باید هوش کرد پس برای اینکه هم بدولت اجازه داده باشیم با کمیانی دیگری داخل مذاکره بشود و هم رشته مذاکرات را با کمیانی استاندارداوایل قطع نکرده باشیم گمان می‌کنم این پیشنهادر را باید تصویب کنیم زیرا چنانچه عرض کردم ممکن است کمیانی استاندارداوایل بیبانه این پیشنهادر و تصور اینکه مجلس و دولت دیگر حاضر نیستند با او مذاکره کنند خود بمذاکره با دولت خانه دهد این بدیهی است که آقایان می‌گویند دو مشتری بهتر از يك مشتری است بنده هم همین عقیده را دارم الان هم دو مشتریست یکی استاندارداوایل است و یکی سلینکلرولی اگر آن نگرانی بنده صورت واقیعت پیدا کند و با کمیانی استاندارداوایل قطع روابط شود آنوقت مشتری خواهد بود آنوقت قطعاً کمیانی که نماینده او در طهران است طرف ما خواهد بود پس برای اینکه با کمیانی استاندارداوایل قطع روابط نشود و بانه بدست او ندهیم و در انتظار خارج احترام قبولو رأی مجلس را هم از دست ندهیم این نکته را آقایان در نظر بگیرند اگر هراض بنده مؤثر واقع شده هالجنابای کنند و رأی بدهند و اینکه آقای تدین فرمودند ما امتیاز ندادیم و قطعنامه بده شده است البته بشام امتیازها در ابتدا که داده میشود بشام جزئیات آن روی کاغذ نمی‌آید ابتدا بطور کلی می‌نشینند تصویب می‌کنند که دولت با فلان کمیانی در فلان موضوع در تحت این شش شرط یا دو شرط داخل مذاکره شود و نتیجه مذاکرات خودش را به مجلس بگوید پس از آن قطعنامه که فرمودید ما آن قانونی که در برج قوس راجع بامتیاز نفت شمال تصویب

مخالف بیفتد البته بدست رقیب مخالف بیفتد مثل این است که خانه ما را بیگانه بسازد این طبیعی است و یکی از ایده آل های ما و هرایرانی است و بنده هر ایرانی را با این عقیده موافق و تمام را مایل باستقلال می دانم ولی طرق فکر و دمل شان مخالف است البته هر ایرانی میل دارد خانه خودش را خودش بسازد و همه در اصل قضیه شریک هستیم اما در مراحل آن ممکن است اختلاف پیدا شود ممکن است بعضی ها بگویند این قضیه برخلاف میل ما واقع می شود ولی بواسطه این جزئیات ما نباید رشته ارتباط هائی را که بنفع ما تمام میشود قطع کنیم باید رشته های مانده را نگاه داریم و مردانه بایستیم و جلو آن رشته های سوء را بگیریم و نگذاریم این رشته ارتباط اصلی مقطوع شود نباید این خیال را بکنیم که چون صدسال یاسه هزار سال یا از اول دنیا خراب بوده باز هم خراب بماند این حس را باید هوش کرد پس برای اینکه هم بدولت اجازه داده باشیم با کمیانی دیگری داخل مذاکره بشود و هم رشته مذاکرات را با کمیانی استاندارداوایل قطع نکرده باشیم گمان می‌کنم این پیشنهادر را باید تصویب کنیم زیرا چنانچه عرض کردم ممکن است کمیانی استاندارداوایل بیبانه این پیشنهادر و تصور اینکه مجلس و دولت دیگر حاضر نیستند با او مذاکره کنند خود بمذاکره با دولت خانه دهد این بدیهی است که آقایان می‌گویند دو مشتری بهتر از يك مشتری است بنده هم همین عقیده را دارم الان هم دو مشتریست یکی استاندارداوایل است و یکی سلینکلرولی اگر آن نگرانی بنده صورت واقیعت پیدا کند و با کمیانی استاندارداوایل قطع روابط شود آنوقت مشتری خواهد بود آنوقت قطعاً کمیانی که نماینده او در طهران است طرف ما خواهد بود پس برای اینکه با کمیانی استاندارداوایل قطع روابط نشود و بانه بدست او ندهیم و در انتظار خارج احترام قبولو رأی مجلس را هم از دست ندهیم این نکته را آقایان در نظر بگیرند اگر هراض بنده مؤثر واقع شده هالجنابای کنند و رأی بدهند و اینکه آقای تدین فرمودند ما امتیاز ندادیم و قطعنامه بده شده است البته بشام امتیازها در ابتدا که داده میشود بشام جزئیات آن روی کاغذ نمی‌آید ابتدا بطور کلی می‌نشینند تصویب می‌کنند که دولت با فلان کمیانی در فلان موضوع در تحت این شش شرط یا دو شرط داخل مذاکره شود و نتیجه مذاکرات خودش را به مجلس بگوید پس از آن قطعنامه که فرمودید ما آن قانونی که در برج قوس راجع بامتیاز نفت شمال تصویب

شد هر اسم و هر عنوان داشته باشد محترم است خصوصاً وقتی که طرف آن قانون یا طرف آن مصوبه يك دولت یا يك ملت خارجی باشد يك دولتی که تازه ما می خواهیم با آنها داخل معامله شده و سرمایه آنها را به مملکت خود جلب کنیم و شر این حیاتی مملکتمان را آباد کنیم وقتی يك چنین دولتی و يك چنین کمیانی با عظمت و اهمیتی با قانون و با رأی اطراف است ما باید احترام آن را نگاهداریم و نباید اجازه بدهیم که بگویند مجلس شورای ملی ایران يك روزی می نشینند و بجمله يك رائی می دهد و بعد از شش ماه دیگر برخلاف موادی که خودش تصریح کرده است می نماید بدولت اجازه می دهد که با فلان کمیانی داخل مذاکره شود و بعد هم از قول ما بگویند که گفته‌اند ما نفهمیدیم و رأی دادیم این ها بدیهتی مملکت است این ها برای نگرانی است پس برای حفظ آن قانون یا آن مصوبه یا آن قطعنامه با آن امتیاز بیاید باین پیشنهادر رأی بدهید یا يك پیشنهادر دیگری شبیه بآن تهیه بفرمائید تا ما به آن رأی بدهیم و بدون يك مجوز قانونی یکدفعه دولت را در عین مذاکره با استاندارداوایل بطرف دیگر سوق ندهد باشیم راست است صورت این قضیه ساده است و شاید بنفع ما است البته دومشتری بهتر از يك مشتریست ولی حقیقت او و انعکاس او بد است و انعکاس او در خارجه صحیح نیست

پس حالا که میخواهیم این استفاده را از تراشیدن رقیب بگیریم یا یکشرط خوبی بگیریم یعنی بدولت بگوئیم تا چهل روز باید آخرین نظر کمیانی استاندارداوایل را تحصیل کنی و بمجلس بیآوری اگر بعد از چهل روز موفق بگتم عمل نشدی با کمیانی های دیگر امریکائی هم می توانی داخل مذاکره شوی در پیشنهادر مامم لفظ امریکائی حذف شده و البته آقایان منشیا اصلاح خواهند کرد

این اجازه هم که شما میفرمائید در این پیشنهادر است ولی بعد از چهل روز و آن وقت این مسئله موجب میشود که کمیانی استاندارداوایل عملیات خود را سریعتر کند و در این چهل روز با احتیاط اینکه مبدا دولت متوجه کمیانی های دیگری شود آخرین نظریات خود را میگوید با بشرط هم دست دولت را نمی بندیم و هم دیگران را امیدوار میکنم که تا چهل روز دیگر صبر کنند این پیشنهادر این محسنتات را در این راهم عرض کنم که در زمان کابینه آقای مشیرالدوله مطابق اطلاعاتی که بنده دارم ایشان به پیشنهادر سلینکلر مراجعه کردند آن دوسه هاد را به آقای نصرت الدوله هم دادند و بنده هم خدمت ایشان دیدم و باز هم بطور غیر رسمی آقایانی که با نمایندگان آن کمیانی مربوط و آشنا هستند می‌روند

و داخل مذاکره می شوند در ظرف این چهار روز هم این مذاکرات بعمل می‌آید و هم استاندارداوایل برای قطع مذاکرات پیدا میکنند

و هم نسبت خلف قول و تزلزل رأی بمجلس در خارجه داده نمیشود

کمیانی استاندارداوایل هم مایوس نمی شود این است که از آقایان تقاضا میکنم هالجنابای کند و به پیشنهادر ما رأی بدهند رئیس - آقای نصره الدوله ( اجازه ) نصره الدوله - آقای ملک الشعراء استاد حرارت و عصبانی شدن را در جلسه گذشته به بنده دادند ولی برای اینکه خوب بایشان ثابت کنم که خون سردی بنده خیلی بیش از آن است که ایشان تصور میکنند هم آنوقت که صحبت میکردند عرض نکردم و هم حالا بنذا کرات شخص ایشان جواب عرض نمی‌کنم و چون ایشان در ضمن توضیح پیشنهادر داخل اصل مطلب شدند بندهم اجازه میخواهم مجدداً در مقام مذاکره از این پیشنهادر داخل اصل مطلب شوم آقایان هم نباید خسته و عصبانی شوند و نباید مایل باشند که مجلس زود ختم شود و بمنازل خود تشریف ببرند زیرا مسائل حیاتی يك مملکت در بین است و اگر هم از شب تا صبح وقت صرف نمائیم نباید خسته شویم و از میدان تطویل در برویم دو سه مطلب مهم در ضمن مذاکرات گفته شده و تمام آن مسائل را با اندازه کافی آقایان محمدها هم میرزا و تدین جواب داده و تفریح نموده‌اند ولی چون عین آن مطالب تکرار شده بنده هم اگر تکرار کنم معذورم

اولا خوب است هوش مشاخره در سرالفاظ بقانون مصوبه ليله اول قوس که در جلوی چشم ما است مراجعه کرده و خودمان را باین مذاکرات معطل بکنم بعضی میگویند امتیاز است و برخی میگویند امتیاز نیست قانون است این قانون در ماده اول اجازه واگذارند امتیاز فقط را دارد ولی امتیاز داده نشده زیرا در ماده چهارم این قانون تصریح شده که فعلاً لازم نیست هرض کم باید به مجلس بیاید و هنوز نیامده است

فقط اجازه بدولت داده شده که داخل مذاکرات شود بنده دیدم آقای ملک الشعراء مکرر در مرکز مستمسک میشوند باینکه بنده در ضمن صحبت بریزوایشان هرض کردیم نفهمیدیم و تصور میکنند بیگانه گیره شده یا بنده یکطرف بی فکری زده‌ام که آقایان مخالفین می‌توانند آن را حربه خود کنند خیر بنده این حرف را از روی فکر گتم بنده گتم نفهمیدم و از قول جناب عالی هم میگویم نفهمیدم زیرا اگر فهمیده بودید و میدانستید که کمیانی استاندارداوایل ماده

پنجم این قانون را که مبنی عدم شرکت کمیانی است متزلزل خواهد کرد رأی نمیدانید

پس اگر ما همه آنروز به کمیانی استاندارداوایل رأی دادیم نمیدانستیم کمیانی استاندارداوایل بیکمیانی است که ممکن است ماده پنجم این قانون را متزلزل کند و آنکه فرمودید از ملاحظه دوسه ها چیز تازه معلوم نشد خیلی تعجب است آیا بیش از اینکه ماده پنجم این قانون در خطر است چه میخواهستید معلوم شود

پس حالا هم هرض میکنم و اقرار میکنم و بهمه جای دنیا از قول بنده تلگراف کنید که در موقعیکه بنده منصرفاً بدون رقیب به کمیانی استاندارداوایل رأی دادم برای این بود که بنده هیچ وقت فرض نمیکردم کمیانی استاندارداوایل خیال شرکت با بیکمیانی دیگری را داشته باشد و اگر فهمیده بودم هیچ وقت مذاکرات دولت را به کمیانی استاندارداوایل منحصر نمیکردم پیشنهادر هم که چهل روز و نفاز و کلای محترم امضاء کرده‌اند و فقط یک نفر تردید در امضای آن کرده بعقیده بنده نه محتاج بمطالعه بود و نه محتاج به تعجب از اینکه بدون مقدمه طرح شد اولاً بنده این مطلب را نمیتوانم بفهمم مقدمه یعنی چه

مقدمه مجلس شورای ملی همین است که اگر یک فکر و یک نظر به با یک عقیده برای یکی از آقایان و کلا پیش بیاید مقدمه طبیعی و بلکه طبیعی ترین مقدمه او همین است که بیاید در هرض جا آن عقیده را اظهار کند

بنده نمی دانم اینکه می‌گویند من نمی دانستم و قبلاً به من مذاکره نکرده بودند یعنی چه ؟

یکدغلی ابتدا در مجلس طرح میشود دو جلسه سه جلسه در آن بحث می شود و ما ها که قید فوریت کردیم و دانسته و فهمیده و خوانده امضاء کردیم برای این بود که در مجلس مذاکره بشود و به کمیسیون نرود و یکشور بشود قید فوریت انحصار نمی دهد که حتماً مذاکره در یک مجلس بکسایت تمام شود ممکن است پنج روز هم در آن بحث شود و بنام حق این گفته شود این هیچ استعجاب ندارد که چرا اطلاع وسایقه نیشود وقتی یکدغلی بمجلس می‌آید و این مطلب در حدود سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی یا چیزی که فرض بفرمائید یا حسن ظن یا سوء ظن یا حسن نیت یا سوء نیت برای اشخاص پیش بیاید در همچو قضیه باید دید حدود مطلب چیست ؟

در آن پیشنهادر چه گفته شده بود که محتاج مطالبه و مذاکره و مباحثه و جمع شدن صلحاً و عقلاً و آوردن دوسه ها و مراجعه



بدولت باشد گفته نشده بود این امتیاز را لغو کنید

بنده امروز می شنوم که شرایط فلان کمیانی صد شازده یا بیشتر است همچون مذاکره در پیش نه بوده و اگر بنده می شنیدم بطور غیر رسمی من شنیده ام و هرگز بنده از یکم کز رسمی چنین چیزی نشنیدم مقصود هم کمیانی بالاختصاص نه بود مقصود این بود که به کمیانی استاندارداوایل انحصار نداشته باشد .

مقصود بنده همانطور که آقای مدرس فرمودند این بود که دو مشتری بهتر از یک مشتریست و پنجاه مشتری تزه اول خوشبخت است .

وقتی مذاکرات یا بموجب تلگرافات منتشر شود

کمیانی های آمریکا که منحصراً به استاندار داوایل و سلینگر نیست پیشنهاد خود را میدهند وحشت از اینکه این یکی متزلزل میشود یا خیر این ها قضاوت های قبل از رسیدگی است .

البته یکدولتی باید قیلاً مطالعه کند و به بنیاد این بهتر است یا آن یکی تا وسایل مقایسه ایجاد نشود این کار نشده است و آقای مشیرالدوله هم برخلاف آنچه که گفته شد بطور رسمی هیچ پیشنهادی را نپذیرفتند و اگر اظهار اطلاعی کرده اند نه غیر مستقیم یا ایشان رسیده زیرا خود آقای مشیرالدوله به بنده فرمودند .

بوجود این قانون دولت نمی تواند با هیچ کمیانی دیگری مذاکره کند پس از افزودن این عبارت و توسعه دادن بمشترها نه اعتبار مجلس را از میان میبریم و نه قانون سابق را نقض می کنیم نه استاندار داوایل را متزلزل میکند مگر در مکرر بنده لفظ بهانه جوئی را شنیدم بنده نمیدانم بهانه جوئی یعنی چه بهانه جوئی یعنی موقعی که یک کسی وسیله نداشته باشد و بی وسیله بگردد این قدر وسیله برای بهانه است که اگر استاندارداوایل بهانه خواست لازم نیست این مسئله را بهانه کنید بنده عرض میکنم استاندارداوایل نه فقط بهانه جواست بلکه هر قدر شما سخت بشوید او نرم میشود چرا از برای اینکه مورد مورد مهمی است و به اندازه ذی قیمت و گرانبها است که استاندارداوایل با کمیانی های دیگر هیچوقت بی بهانه نیستند و با کمال شوق برای بدست آوردن یک همچو منبع ثروتی حاضرند منتها ما که فروشنده و صاحب مال هستیم باید منافع خودمان را حفظ کنیم همان منافی که یک کمیانی خارجی را وادار میکند با یک کمیانی دیگری سازش کند

همان منافع هم باید ما را وادار کند که در حفظ مصالح مملکت خودمان بکوشیم حالا اگر مسئله اساسی قابل تردید است بنده نمی دانم در صورتیکه بر حسب اطلاعاتی

و انسانیست حفظ نزاکت است و خارج شدن در حفظ نزاکت و داخل شدن در الفاظ و عبارات و جملاتی که از حدود اشخاص با شرف تربیت شده خارج می شود این منزل خود شخص است و الا در یک مملکتی که یک همچو فضا یا وب که همچو اخلاقی شیوع داشته باشد برای طرف مقابل اینقبیل تنقیدات ای بسا تمجید است بنابراین در اینقسمت همه با ایشان شریکیم و میل داشتیم رفقا و هموطنان عزیز ما که اداره کردن افکار عموم را در دست گرفته اند همیشه در حدود تنقید ادبی و حقیقی بمانند و هیچوقت بشخصیات نپردازند و امیدوار هستم برای این که آنها بدانند ما در این آرزو و مرام صادق هستیم و چیزی را که برای خودمان نمی خواهیم برای دیگران هم نمی خواهیم ما هم بیش از پیش در اینجا مواظب و حافظ این عقیده باشیم .

**رئیس** - پیشنهاد ثانی مجدداً قرائت می شود و رأی می گیریم .

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - بنده راجع بر تردیدی که نسبت به بنده دارند توضیحی دارم .

**رئیس** - چه فرمودید؟

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - خواستم علت تردیدی را عرض کنم مطلب غیر از این بود که فرمودید .

**رئیس** - در نظامنامه نوشته است که علت تردید را توضیح بدهند .

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - یک نسبتی به بنده دادند و گفتند در امضاء خود تردید نموده ؟

**رئیس** - بموجب کدام ماده این تقاضا را می کنید؟

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - خواستم توضیح بدهم که رفع اشتباه شود .

**رئیس** - اگر عقاید جناب عالی را برخلاف واقع جلوه داده اند می توانید توضیح بدهید و اگر می خواهید بگفته را که بیان شده توضیح بدهید آن امر علیحده است اگر مجلس اجازه بدهد می توانید بفرمائید (بعضی گفتند لازم نیست)

**آقای منتصر الملک** مجدداً پیشنهاد ثانوی را بمضمون سابق الذکر قرائت نمودند

**ملك الشعر** اء عرض کردم يك لفظ امريكائى اضافه كند

**رئیس** - چون پیشنهادی را که در روز قبل شده بود بمنزله پیشنهاد اصلی تلقی می کنیم و این پیشنهاد را بمنزله اصلاح بر آن پیشنهاد این است که بدو در این پیشنهاد رأی می گیریم و اگر تصویب نشد در پیشنهاد اولی اخذ رأی خواهد شد حالا اگر ترتیب دیگری بنظر آقایان میرسد بفرمائید (بعضی گفتند ترتیب همین است)

پیشنهاد ثانوی با اضافه لفظ امریکامجدداً شرح ذیل قرائت شد

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایند برای تسریع و تمجید در حل قضیه معادن نفت شمال پیشنهاد فعلی مسکوت عنه مانده و بدولت از تاریخ تشکیل کابینه الی مدت چهار روز وقت مجال داده شود که آخرین تصمیمات و نظریات کمیانی استاندارداوایل را تحقیق نمایند .

هر گاه در این مدت قضیه مطابق فصول پنجگانه اجازه نامه مجلس شورای ملی و تصفیه نشود دولت مجاز و مختار خواهد بود با کمیانی های امریکائی دیگر هم داخل در مذاکره شود .

**رئیس** - رأی می گیریم باین پیشنهاد ثانوی که قرائت شد آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام بفرمائید (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد پیشنهاد اولی ( **آقای منتصر الملک** بمضمون ذیل قرائت نمودند )

نظر باینکه قانون مورخه لیل۱۳۰۰ قوی نیل ۱۳۰۰ است که راجع بامتیاز نطق شمال با کمیانی امریکائی موسوم (باستناددار اوایل) داخل مذاکره شده و بارعایت اصول قانون مزبور صورت امتیاز نامه مفصلی طرح و مجدداً مجلس پیشنهاد نماید نظر باینکه شش ماه و نیم از تاریخ مزبور می گذرد و هنوز تکلیف قطعی این امر مشخص نشده نظر باینکه کمیانی های معتبر مستقل امریکائی دیگر نیز هستند که مایل بتقدیم شرایط بدولت می باشند و نظر باینکه منظور مقنن در موقع تصویب قانون مزبور و اجاز امتیاز بکمیانی استاندارداوایل فقط استفاده از منابع ثروت مملکتی بوسیله سرمایه کمیانی های معتبر امریکائی که عاری از هر نوع نظری باشند بود لهذا برای آنکه بواسطه مذاقه در پیشنهادات کمیانی های متعدد منافع اقتصادی مملکت بهتر رعایت شده و برای دولت وسیله مقایسه بین شرایط مختلف موجود بود و ما امضاء کنندگان باقید فوریت پیشنهادی نمایم مجلس شورای ملی تصویب فرمائید که در ماده اول قانون مذکور در فوق پس از عبارت کمیانی استاندارداوایل عبارت ذیل افزوده شود ( و یا کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری ) که باین طریق ماده اول قانون مزبور از این قرار خواهد بود و مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیاز حق استخراج نفت ایالات مفصله الاسامی شمال ایران را ؟ کمیانی استاندارداوایل یا کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری تصویب می نماید نقاط مزبوره شامل ایالات آذربایجان - گیلان - استرآباد - مازندران - خراسان خواهد بود .

**رئیس** - بعضی از آقایان تقاضا نمودند

ورقه اخذ رأی شود قرائت میشود بعد باورقه رأی می گیریم .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس ما امضاء کنندگان ذیل چون موضوع پیشنهادی را که مطرح شده است مهتم دانسته و بعلاوه در رأی قیام و قعود امتناع کنندگان معلوم نمیشود لذا پیشنهادی کنیم که باورقه رأی گرفته شود .

قوام الدوله . امین التجار . آقا میرزا ابراهیم قمی . مساوات . و کبیل الملک

**رئیس** - این هم شرحی است که آقای سلیمان میرزا نوشته اند .

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس چون در ضمن مذاکرات صحبتی از اقلیت و نظریه ایشان شد این است که اجازه می خواهم رأی رفتار را که در این موضوع آزاد گذاشته شده است و بنده شخصاً متنع هستم و علت امتناع بنده هم این است که هیئت دولتی حاضر نیست که رأی خود را با دلایل بیشرفت بگوید تا نمایندگان از روی اطلاع کامل رأی بدهند و بسلاوه دیده ایم قوانینی که با حضور دولت گذشته دولت های بعد او را عملی نداشتند و بواسطه ماده واحده موقوف الاجراء گذاشته فلما که دولت حاضر نیست ممکن است دولت در آتیه دچار مشکلاتی شده و باز مبتلا بماده واحده شویم باین دلیل بنده متنع هستم . (سلیمان محسن)

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

**سلیمان میرزا** - دیگر موردی برای اجازه باقی نمی ماند چون آن مطلبی را که می خواستم عرض کنم خوانند و حالا هم اگر اجازه میفرمائید و مرتبه تکرار کنم این است که همبصورت که آقایان امضاء هیئت متعدد عقیده شان در این قضیه از او است در قسمت مهم این مسئله آزاد است و هر کس مطابق عقیده خودش اظهارات خود را می کند و متکی بعقیده عموم نیست و بنده هم که متنع هستم موقع را مغتنم می شمارم و علت امتناع خود را عرض می کنم و آن نبودن هیئت دولت است در مجلس زیرا مادیده ایم قوانینی که سابقاً از مجلس گذشته و دولت هم بوده و وقتی آن دولت از کار افتاده و دولت دیگری روی کار آمده است تازه اشکالات عجب و غریبی که عملی نیست و فلان و فلان است تولید می کنند امروز که يك اکثریت شصت و پنج نفره که بنده جزو آن نیستم به يك هیئت دولتی رأی داده و اظهار اعتماد کرده و آن دولت اینجا نیست نمی توانیم رأی بدهیم زیرا رأی قوه مجریه را نمی دانم چیست این است که در پیشنهاد اولی که رأی گرفته شد چون با قیام و قعود رأی گرفته میشود و شخص امتناع

کننده معلوم نمیشود از مجلس خارج شدم و بعد هم تقاضا کردم هلت امتناع خود را در این پیشنهاد عرض کنم

**رئیس** - رأی می گیریم باین پیشنهاد اولی که ماده اول قانون سابق را بنحویکه قرائت شد تغییر میدهد آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه کبود خواهد داد

اخذ و استخراج آراء بعمل آمد و نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید

عده حضار ۷۴ نفر

ورقه سفید علامت قبول ۵۴

ورقه کبود ۳

امتناع ۱۷

**رئیس** - عده حضار ۷۳ و با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد

**آقا سید یعقوب** - سؤالی دارم اجازه می فرمائید .

**آقا سید یعقوب** - خواستم عده امتناعیون را سؤال کنم زیرا عده در مجلس بیش از این عده هستند که رأی داده اند لابد بعضی هستند که اصلاً ورقه ندانند

**رئیس** - اشخاصی که امتناع کرده اند هفده نفرند .

(اسامی تصویب کنندگان)

آقایان - آصف الملک . امیرناصر . نصیرالسلطنه . میرزا علی سکا زرانی . نصرت الدوله . محمد هاشم میرزا . آقاسید محمد باقر دستغیب . عبدالمعالم . آقا سید یعقوب . قوام الدوله . بیان الملک . میرزا شهاب الدین . ارباب کیخسرو . سید حسینخان بلوچ . منتصر الملک . حاج میرزا اسداله خان . رکن الملک . رئیس التجار آقای تدین . صدرائی . حاج شیخ اسدالله شیخ الاسلام ملایری . مستشار السلطنه . رفعت الدوله . ناظم دفتر . عمادالسلطنه خراسانی . شیخ المراقین زاده . لسان الملک آقا میرزا هاشم آشتیانی . حاج میرزا تقی خان نائینی . سالار معظم . آقاسیدفاضل سردار معظم کردستانی . شیخ الاسلام اصفهانی . نصیردیوان . حاج مغیرالسلطنه صدر الاسلام ابهری . فتح الدوله . فهم الملک حاج میرزا مرتضی . محقق العلماء . حاج شیخ محمد حسن کروی . میرزا ابراهیم خان ملک آرائی . وقار الملک . نظام الدوله بیان الدوله . احتشام الدوله . محمدولی میرزا آقا سید محمد تقی طباطبائی . شریعتدار کرمانی . سهام السلطان . امین الشریعه آقای مدرس . دکتر لقمان (اسامی رد کنندگان)

آقایان حاج امین التجار . ملك الشعراء اقبال السلطان .

**رئیس** - جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز سه شنبه چهار ساعت بظهر مانده

دستور هم مسئله ازدیاد حق المهور راه طهران به دساوند خواهد بود آقای زنجانی .

(اجازه)

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده و آقای مساوات از عضویت کمیسیون بودجه استعفا کرده ایم بفرمائید عرض ما دو نفر را انتخاب نمایند .

**رئیس** - در جلسه دیگر استعفا نامه قرائت میشود اگر بنا شد انتخاب می کنند .

مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد (مؤمن الملک)

**جلسه صد و سوم**

**صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم شوال ۱۳۴۰ مطابق بیست و سوم جوزا ۱۳۰۱**

مجلس سه ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه بیستم جوزا را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

**رئیس** - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

**آقاسید یعقوب** - می خواستم عرض کنم که اسامی رأی دهندگان خوانده شود حالا که خوانده شد دیگر عرضی ندارم

**رئیس** - گویا نسبت بصورت مجلس ایرادی نباشد؟

(اظهاری شد)

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد

دو فقره راپورت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است .

یکی راجع بر مرخصی دو ماه و نیم بجهت آقای سلطان المعام و دیگری مرخصی يك ماهه برای آقای امیر ناصر است که کمیسیون تصویب کرده و باید رأی گرفته شود

آقای سلیمان میرزا - البته آقایانی که مشغول وظائف نمایندگی هستند بنده یقین دارم انجام وظائف نمایندگی را بر سایر کارهای شخصی ترجیح می دهند و البته تا برای انجام کاری در کمال اضطراب و صرست نباشند مرخصی نخواهند خواست ولی بنده اخیراً می بینم که آقایان اجازه می گیرند و مثل اعتبار تجارتخانه هادر جیبشان می گذارند و تشریف نمی برند

اگر این اجازه برای يك کار ضروری است که واجب تر از انجام تکالیف نمایندگی و حقوق اهالی است پس چرا تشریف نمی برند ؟

اگر برای تفنن است و اجازه را در